

OECD

*

چکیده

حمایت از بخش کشاورزی مقوله ای است که سالها درجهان مورد بحث و توجه قرار گرفته و بویژه اینکه به دلایل متعددی همچون ماهیت بخش کشاورزی، ریسک بالاتر نسبت به سایر بخشها، امنیت غذایی و تغذیه و غیره همواره نسبت به سایر بخشهای اقتصادی بیشتر در کانون توجه دولتها قرار داشته است. براین اساس نگاه حمایتی کشورهای مختلف به بخش کشاورزی نیز بسته به اهمیت آن در کشورهای جهان متفاوت و متنوع بوده است.

بررسیها نشان می دهد که به طور کلی اخلاف در قیمت محصولات کشاورزی درجهان به دو صورت شکل می گیرد: یکی از طریق حمایتهای متنوع از تولید کنندگان محصولات کشاورزی و دیگری از طریق حمایتهای گسترده صادراتی.

در سال ۲۰۰۳ حمایت از تولید کنندگان کشاورزی در بین کشورهای عضو OECD بر حسب شاخص حمایت از تولید کننده (PSE) برابر با ۳۲٪ دریافتی ناخالص مزارع است که اندکی بیشتر از

* پژوهشگران مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی - وزارت جهاد کشاورزی.

E-mail: mahmoodi@agri-peri.ir

E-mail: kazemnejad@agri-peir.ir

مقدار سال ۲۰۰۲ و کمتر از رقم ۳۷ درصدی سال مینا (۱۹۸۶-۸۸) می‌باشد. کل مقدار حمایت کشورهای عضو OECD معادل ۲۵۷ میلیارد دلار (۲۲۹ میلیارد یورو) برآورد شده است. سهم انواع حمایت‌های اخلاص آور، اعم از تولیدی و تجاری، از ۹۰٪ در سال ۱۹۸۶-۸۸ به حدود ۷۵٪ در سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۳ کاهش پیدا کرده است. این گونه حمایتها هنوز سهم عمده ای در تشویق صنایع داخلی، انحراف الگوی تجارت و یا کمتر شدن قیمت بین المللی محصولات کشاورزی از حد واقعی آنها دارد. اساساً این سیاستها در جهت هدفهای معین یا تولیدکنندگان و گروههای ذینفع هدفمند شده است. سیاستهای حمایتی اتخاذ شده در کشورهای OECD موجب تحمیل هزینه های غیر ضروری بر مصرف کننده داخلی و مالیات دهندگان و همچنین فشار بر محیط زیست و تولید کنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه شده درحالی که این سیاستها در ایران اغلب به صورت پراکنده، غیر هدفمند و بسیار محدود بوده است. این مقاله از طریق مطالعات کتابخانه ای و جستجو در شبکه اینترنت برآن است تا جدیدترین سیاستهای کشاورزی کشورهای پیشرفته را با نحوه حمایت از محصولات کشاورزی درکشورایران مورد مقایسه قرار دهد تا ضمن شفاف شدن موضوع حمایتهای کشاورزی بر لزوم بازنگری در روشهای حمایتی موجود و استفاده از ابزارهای جدید حمایتی تأکید شود.

کلید واژه‌ها:

سیاستهای حمایتی، حمایت قیمتی بازار، شاخص حمایت از تولید کننده، شاخص حمایت اسمی از تولید کننده، قیمت‌های تضمینی.

مقدمه

آدام اسمیت براساس نظریه فیزیوکراتها به کارکرد طبیعی عوامل بازار و عدم دخالت دولت در اقتصاد از جمله در تجارت بین الملل معتقد بود. اما تا آن زمان این پرسشها که اولاً تجارت بین کشورها چه ضرورتی دارد؟ و ثانیاً کشورها به چه صورت از تجارت نفع می‌برند؟ بی پاسخ مانده بود.

...

آدام اسمیت در پاسخ به پرسشهای فوق نظریه مزیت مطلق را بیان کرد. طبق این نظریه هر کشوری در تولید کالاهای خاصی تخصص دارد و به همین دلیل این کالاها را ارزانتر از بقیه کشورها تولید می‌کند. بعدها نظریه مزیت نسبی ریکاردو در جهت تصحیح و تقویت نظریه آدام اسمیت ارائه شد.

تقریباً یکصد سال قبل از اینکه آدام اسمیت با انتشار کتاب ثروت ملل در سال ۱۷۷۶ به طور رسمی کرسی آکادمیک اقتصاد و تجارت را در دنیا پایه گذاری کند، سیاستهای کشاورزی در انگلستان اجرا شده بود. در سال ۱۶۶۳ در انگلستان قانون غلات^۱ به تصویب رسید که در آن مقرر شده بود برای غلات وارداتی از بندرها، وقتی قیمتهای داخلی به کمتر از قیمت کفی که قانونگذار وضع کرده بود رسید، عوارض گمرکی وضع شود. کشاورزان انگلیسی از این وضعیت انحصاری در بازار داخلی رضایت داشتند. همچنین براساس همین قانون در صورتی که قیمت داخلی از قیمت کف فزونی می یافت، افراد مجاز به صادرات غلات بودند و حتی بعد از سال ۱۶۷۳ دولت اعطای جایزه صادراتی (یارانه صادراتی) به صادرکنندگان را تضمین کرده بود (Barry, 1992).

لیندرت ضمن بررسی تاریخ سیاستهای حمایتی در جهان، تجارب و مدل‌های سیاستهای کشاورزی را به شرح زیر ارائه می‌کند (Lindert, 1989):

- در بیشتر کشورهای توسعه یافته، دولتها بیشترین حمایتها و یارانه ها را به بخش کشاورزی اختصاص داده اند.

- در کشورهای جهان سوم، شهرنشینان از طریق تشویق دولت به اعمال فشار به بخش کشاورزی خواستار تهیه غذای ارزانقیمت برای مناطق شهری بوده‌اند.

- دولتهای جهان سوم گرایش به سمت اتخاذ سیاستهای ضد تجاری، که منجر به وضع مالیات بر بخش کشاورزی بر مبنای محصولات صادراتی شده است، داشته‌اند.

افزون بر آن می‌توان به نمونه هایی از حمایتگرایی شدید کشورهای توسعه یافته از انواع محصولات کشاورزی اشاره کرد: به عنوان مثال شکر در ژاپن و آمریکا، غلات و فراورده های لبنی در اتحادیه اروپا و برنج در ژاپن.

حمایتگرایی و در مقابل آن آزادسازی تجاری از راهبردهای اساسی در اتخاذ سیاستهای اقتصادی‌ای است که در حدود بیش از ۳ سده اقتصاددانان بر سر آن به بحث و جدل پرداخته اند.

1. corn law

امروزه نمونه بارزی از سیاستهای وسیع کشاورزی و نحوه حمایتهای کشورهای صنعتی و پیشرفته را در قالب سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD)^۱ می توان مشاهده کرد. گفتنی است در پی موافقتنامه منعقد شده در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ در پاریس و الزامات اجرایی آن، سازمان یاد شده در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۱ به منظور دستیابی به هدفهای زیر تأسیس شد:

- رسیدن به بالاترین رشد اقتصادی پایدار و اشتغال و افزایش سطح رفاه زندگی کشورهای عضو، همراه با ثبات مالی و مشارکت در توسعه اقتصاد جهانی
- مشارکت دادن کشورهای غیر عضو سازمان به مانند اعضای آن در فرایند توسعه اقتصادی
- گسترش تجارت جهانی چندجانبه و التزام بین المللی به رفع جنبه های تبعیض آمیز در تجارت جهانی.

در این مقاله جزئیات حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای عضو OECD برای دوره های کوتاه مدت (سال ۲۰۰۳ در مقایسه با سال ۲۰۰۲) و دوره های درازمدت (متوسط حمایتها طی سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۱ در مقایسه با سال پایه ۱۹۸۶-۸۸) ارزیابی می شود. همچنین سیاستهای تجاری بعضی از کشورها مورد بحث قرار می گیرد. بدین ترتیب مرور و بررسی این حمایتها شمایی از واقعیتهای نظام موجود در جهان کشاورزی را مشخص می سازد که به عنوان راهبردی برای سیاستگذاری در این بخش به حساب می آید. همچنین در مقاله حاضر به سیاستهای حمایتی و قانونی خرید تضمینی در ایران نیز خواهیم پرداخت.

مواد و روشها

دلایل عمومی پذیرفته شده که مداخلات دولت را در قیمتگذاری، حمایت درآمدي، کنترل تولید، اعمال محدودیتهای گمرکی بر واردات و اعطای یارانه های صادراتی به محصولات کشاورزی توجیه می کند به قرار زیر است (Barry, 1992):

1. Organization for Economic Cooperation and Development.

اعضای اصلی OECD شامل ۲۰ کشور (استرالیا، بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلستان و آمریکا) است. کشورهای زیر نیز بعدها به عضویت این سازمان درآمدند: ژاپن (۲۸ آوریل ۱۹۶۴)، فنلاند (۲۸ ژانویه ۱۹۶۹)، استرالیا (۷ ژوئن ۱۹۷۱)، نیوزیلند (۲۹ می ۱۹۷۳)، مکزیک (۱۸ می ۱۹۹۴)، جمهوری چک (۲۱ دسامبر ۱۹۹۵)، مجارستان (۷ می ۱۹۹۶)، لهستان (۲۲ نوامبر ۱۹۹۶)، جمهوری کره (۱۲ دسامبر ۱۹۹۶) و جمهوری اسلواکی (۱۴ دسامبر ۲۰۰۰). گفتنی است کمیسیون اتحادیه اروپا نیز بخشی از ترکیب و اعضای OECD است.

...

۱. ایجاد اطمینان از تولید و عرضه غذای کافی

۲. مقابله با بی ثباتی قیمت‌های کشاورزی

۳. کاهش فقر روستایی

۴. احساس تعلق خاطر و وابستگی بیشتر با جامعه روستایی و تولید کنندگان کشاورزی

۵. سایر هدف‌های عمومی (تأمین امنیت غذایی، خود کفایی، حفاظت خاک و محیط زیست و ...)

علاوه بر موارد فوق، الزامات مزیت نسبی و ساختاری تولید محصولات کشاورزی نیز مسئله مهمی است که مداخله دولت‌ها را، بویژه در بخش کشاورزی، توجیه پذیر کرده است. در سال‌های اخیر جدیدترین تلاش نظریه پردازان تجارت بین الملل، ارائه نظریه سیاست استراتژیک تجاری بوده است. بحث اصلی نظریه فوق این است که در اقتصاد جهانی بشدت به هم پیوسته و مرکب از شرکت‌های بزرگ و دولتهای رقیب، این امکان وجود دارد که کارتهای اقتصادی و دولتها با اتخاذ سیاستهای خاصی مانند دامپینگ و یارانه صادراتی، ضمن تسخیر بازارهای جهانی و انتقال سود تجارت از سایر کشورها به کشور خود، موجبات از بین رفتن مزیت نسبی و سودآوری فعالیتهای کشاورزی در سایر کشورها را فراهم آورند. لذا این الزام به وجود می آید که دولتها با استفاده از سیاستهای حمایتی باید مانع از بین رفتن مزیت نسبی در بخش کشاورزی شوند.

ذکر قانون غلات انگلستان از این نظر جالب توجه است که با نظریه عمومی مداخلات و سیاستهای دولت در مباحث آکادمیک آن زمان مغایرت دارد. به عبارتی عقلانیت دولت برخلاف عقلانیت آکادمیک (نظریه آدام اسمیت) عمل کرده و علاوه بر عقلانیت اقتصادی، سایر عقلانیتهای (اعم از سیاسی، اجتماعی) را در بر گرفته است. تمام کشورها اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه به روشهای گوناگون، تولید کنندگان بخش کشاورزی را مورد حمایت قرار می دهند، ولی نوع و میزان حمایت در بسیاری از کشورها شفاف نیست. در این باره نکته جالب توجه این است که کشورهای صنعتی و پیشرفته، به عنوان طرفداران نظام رقابتی بازار آزاد، بیشترین حمایت را از بخش کشاورزی می کنند. با وجود سری بودن اطلاعات حمایتی از محصولات کشاورزی، برآوردهایی - هرچند دست پایین - از این حمایتها در سایتهای اینترنتی، بخصوص در مورد کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و

توسعه، ارائه شده است که بررسی آنها شمایی از واقعیت‌های نظام موجود در جهان را مشخص می‌سازد و می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاری در این بخش به حساب آید.

کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از چندین سال پیش برای داشتن استنباطی یکسان از مفاهیم حمایتی اقدام به یکسان‌سازی روش محاسبه حمایتها و معافیت‌های حمایتی کرده‌اند، از این رو در ادامه به تعدادی از این شاخصها، به اختصار، اشاره خواهد شد.

برآورد حمایت از تولید کننده^۱ (PSE)

شاخصی است که ارزش ناخالص پولی سالانه کلیه پرداخت‌های مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان را به تولیدکنندگان کشاورزی (صرف نظر از ماهیت، هدفها و اثرات آنها بر تولید و درآمد) در سطح مزرعه محاسبه می‌کند. این شاخص شامل ۸ جزء زیر است:

۱. حمایت قیمتی بازار^۲
۲. پرداخت بر مبنای مقدار تولید^۳
۳. پرداخت بر اساس سطح زیر کشت یا تعداد دامهای نگهداری شده^۴
۴. پرداخت بر اساس سابقه مشارکت در برنامه‌های کشاورزی^۵
۵. پرداخت بر اساس میزان مصرف نهاده^۶
۶. پرداخت بر اساس محدودیت مصرف نهاده‌های تولید^۷
۷. پرداخت بر اساس کل درآمد کشاورزی^۸
۸. پرداخت‌های متفرقه^۹

-
1. producer support estimate(PSE)
 2. market price support (MPS)
 3. payments based on output
 4. payments based on areas planted/animal numbers
 5. payments based on historical entitlements
 6. payments based on input use
 7. payments based on input constraints
 8. payments based on overall farming income
 9. miscellaneous payments

...

همچنین به منظور امکان مقایسه این شاخص بین کشورها و کالاها، PSE به صورت درصد نیز محاسبه می شود که در واقع مقدار حمایت از تولیدکننده را برحسب درصدی از درآمدهای ناخالص کشاورز نشان می دهد.

حمایت قیمتی بازار (MPS)

شاخصی است که ارزش ناخالص سالانه سیاستهای قیمتی دولت (انتقالی به کشاورزان) را اندازه گیری می کند. این سیاستها بین قیمتهای بازار داخلی و قیمتهای سرمرز برای محصول بخصوصی شکاف ایجاد می کند و موجب بالاتر نگه داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمتهای سرمرز می شود و بر حسب قیمتهای سرمرز محاسبه می شود.

ضریب حمایت اسمی تولید کننده¹ (NPCp)

شاخصی است که به کمک نسبت متوسط قیمتهای دریافتی تولیدکنندگان (برحسب قیمتهای سرمرز)، که شامل پرداختی برحسب هر تن است، به قیمتهای دریافتی برحسب قیمت مرزی محاسبه می شود. بنابراین اگر NPC_p برابر یک باشد نشان می دهد که قیمت دریافتی کشاورز برابر قیمت سرمرز (جهانی) محصول است. هرچه NPC_p بزرگتر از یک باشد یعنی قیمت دریافتی کشاورز به همان نسبت بیشتر از قیمت سرمرز است.

ضریب کمک اسمی تولید کننده² (NACp)

شاخصی است که به کمک نسبت ارزش درآمدهای ناخالص کشاورزی، که شامل حمایتها نیز هست، به ارزش درآمد ناخالص کشاورز بر پایه قیمتهای جهانی اندازه گیری می شود. زمانی که NAC_p برابر با یک باشد یعنی درآمدهای ناخالص کشاورزی بدون حمایت به دست آمده و یا حمایت نقشی در کسب درآمدهای کشاورزی برای تولیدکنندگان نداشته است. بنابراین هرچه NAC_p بزرگتر از یک باشد سهم بازار در کسب درآمد کشاورزی به همان میزان کمتر است و حمایت نقش بیشتری دارد.

1. producer nominal protection coefficient (NPCp)

2. producer nominal assistance coefficient (NACp)

برآورد حمایت از مصرف کننده^۱ (CSE)

شاخصی است که ارزش ناخالص پولی سالانه کلیه پرداختیها را به مصرف کنندگان (صرف نظر از ماهیت، هدفها و اثرات آنها بر مصرف) برحسب قیمت سرمزرعه اندازه گیری می کند. اگر CSE منفی باشد در واقع نشاندهنده تحمیل مالیات ضمنی بر مصرف کننده است. به عنوان مثال اگر CSE برابر ۶۰- درصد باشد نشاندهنده آن است که نه تنها از مصرف کننده حمایت نشده بلکه مالیاتی به میزان ۶۰ درصد بر مخارج مصرفی کل کالاهای کشاورزی بر مصرف کننده تحمیل شده که به صورت درآمد ناخالص به تولید کنندگان انتقال یافته است.

برآورد حمایت از خدمات عمومی کشاورزی^۲ (GSSE)

شاخصی است که ارزش پولی ناخالص سالانه اختصاص یافته به خدمات عمومی را در بخش کشاورزی اندازه گیری می کند. هنگامی که برآورد حمایت از خدمات عمومی (GSSE) به صورت درصدی از برآورد حمایت کل بیان شود، در این صورت درصد GSSE اهمیت حمایت از طریق خدمات عمومی را از کل حمایت بخش کشاورزی نشان می دهد. حمایت از طریق خدمات عمومی شامل اجزای زیر است:

تحقیق و توسعه^۳، مدارس کشاورزی^۴، خدمات بازرسی^۵، زیرساخت ها^۶، بازاریابی و ارتقای بازار^۷، ذخیره سازی عمومی^۸، متفرقه^۹.

شاخص حمایت کل (TSE)^{۱۰}:

1. consumer support estimate (CSE)
2. general services support estimate (GSSE)
3. research and development
4. agricultural schools
5. inspection services
6. infrastructure
7. marketing & promotion
8. public stockholding
9. miscellaneous
10. total support estimate

...

شاخصی از ارزش ناخالص پولی کلیه پرداختها از سوی مصرف کنندگان و مالیات دهندگان به منظور حمایت از بخش کشاورزی به علاوه خالص حمایت‌های بودجه ای دولت به بخش کشاورزی است. به عبارت دیگر TSE شامل کلیه پرداختهای انتقالی به بخش کشاورزی است.

نتایج و بحث

امروزه مشاهده می شود که بعضی از اشخاص به بهانه جهانی شدن اقتصاد و پیوستن به WTO همواره بر رقابتی شدن قیمت‌های کشاورزی تأکید می کنند و به این ترتیب حمایت از بخش کشاورزی را بی اساس می دانند، در حالی که در سال گذشته (۲۰۰۳ میلادی) در سطح بین المللی شاهد بیشتر شدن حجم حمایت‌های کشاورزی و حتی اتخاذ روشهای جدید و گسترده شدن ابزارهای حمایتی بودیم. بعد از شکست مذاکرات اعضای سازمان تجارت جهانی در کانکون مکزیک در سپتامبر سال ۲۰۰۳، روند پیشرفت اجرایی موافقتنامه کشاورزی دوردو حه قطره به کندی گرایید که خود این عامل موجب تأخیر و کاهش انگیزه برای مذاکرات و اصلاحات در سیاستهای کشاورزی، از جمله کاهش تعرفه ها و سیاستهای اخلاص آور، شد. با وجود این اتفاقات، سال ۲۰۰۳ در بعضی از کشورها اولین سال اجرای مجموعه ای از سیاستهای جدید، مانند سیاستهای جامع کشاورزی کانادا و قانون امنیت غذایی و توسعه سرمایه گذاری روستایی (فارم اکت ۲۰۰۲)^۱ آمریکا، بود که در آنها شیوه های نوینی برای پرداختهای حمایتی به تولید کنندگان به منظور تثبیت درآمد کشاورزان و مزارع آنها به کار گرفته شده بود. (محمودی و مهربانیان، ۱۳۸۳).

در این قانون، پرداختهای حمایتی در قالب پرداختهای مستقیم و پرداختهای دوره ای انجام می شود که ابزارهای اصلی آن به شرح زیر است:

۱- برنامه مساعدت از طریق اعتبار بازاریابی (MLAP)^۲

-
1. Farm Act, 2002
 2. marketing loan assistance program

این برنامه قبلاً در قانون زراعی ۱۹۹۶ برای غلات، مزارع پنبه در مناطق مرتفع و دانه های روغنی اجرا می شد ولی در قانون زراعی جدید محصولات دیگری شامل بادام زمینی، پشم، کرک، عسل، نخود فرنگی، عدس و نخود تحت پوشش آن قرار گرفتند. قیمت اعتباری براساس قیمت های پایه سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ تنظیم شده است و طی سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ با اندکی کاهش آن هم در برخی از محصولات ثابت می ماند. برای اکثر محصولات تحت پوشش، به استثنای برنج که قیمت اعتباری آن بدون تغییر نسبت به سال پایه طی سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ ثابت می ماند، قیمت اعتباری در تمام سالها از قیمت سال ۲۰۰۱ بالاتر است. همچنین قیمت اعتباری سویا در تمام سالها کمتر از قیمت سال ۲۰۰۱ است. افزون بر این، محدودیت پرداخت های سالانه در قالب قیمت اعتباری و پرداخت های جبرانی برای هر کشاورز آمریکایی در هر سال زراعی تاسقف ۷۵ هزار دلار وجود دارد ولی این محدودیت پرداختی در محاسبه قیمت اعتباری مواقعی که قیمت های داخلی کاهش می یابد، حذف می شود (جدول ۱).

جدول ۱. مقایسه مقدار پرداخت های حمایتی برای محصولات زراعی و دامی بر مبنای

قانون زراعی ۱۹۹۶ و ۲۰۰۲

واحد: دلار به تن

محصول	قیمت اعتباری			پرداخت مستقیم			قیمت هدف	
	۲۰۰۱	۰۳-۲۰۰۲	۰۷-۲۰۰۴	۲۰۰۱	۰۷-۲۰۰۲	۰۳-۲۰۰۲	۰۷-۲۰۰۴	۰۳-۲۰۰۲
گندم	۹۴/۸	۱۰۲/۹	۱۰۱	۱۷/۴	۱۹/۱	۱۴۱/۸	۱۴۴	۱۴۱/۸
ذرت	۷۴/۴	۷۷/۹	۷۶/۸	۱۰/۶	۱۱	۱۰۲/۴	۱۰۳/۵	۱۰۲/۴
سایر انواع ذرت	۶۷/۳	۷۷/۹	۷۶/۸	۱۲/۸	۱۳/۸	۱۰۰	۱۰۱/۲	۱۰۰
جو	۷۵/۸	۸۶/۳	۸۵	۹/۵	۱۱	۱۰۱/۵	۱۰۲/۹	۱۰۱/۵
جودوسر	۸۳/۴	۹۳	۹۱/۶	۱/۵	۱/۷	۹۶/۵	۹۹/۲	۹۶/۵
پنبه	۱۱۴۴/۶	۱۱۴۶/۴	۱۱۴۶/۴	۱۳۲/۱	۱۴۷	۱۵۹۶/۱	۱۵۹۶/۱	۱۵۹۶/۱
برنج	۱۴۳/۳	۱۴۳/۳	۱۴۳/۳	۴۶/۳	۵۱/۸	۲۳۱/۵	۲۳۱/۵	۲۳۱/۵
سویا	۱۹۳/۳	۱۸۳/۷	۱۸۳/۷	-	۱۶/۲	۲۱۳/۱	۲۱۳/۱	۲۱۳/۱
دانه روغنی	۲۰۵	۲۱۱/۶	۲۰۵	-	۱۷/۶	۲۱۶/۱	۲۲۲/۷	۲۱۶/۱
بادام زمینی	۶۷۳	۳۹۱/۴	۳۹۱/۴	-	۳۹/۷	۵۴۵/۸	۵۴۵/۸	۵۴۵/۸
شیر	۲۱۸/۳	۲۱۸/۳	۲۱۸/۳	-	-	۳۷۳/۵	۳۷۳/۵	۳۷۳/۵

مأخذ: منابع شماره ۱۲ و ۱۱

...

۲- پرداخت مستقیم برای محصولات زراعی^۱

این برنامه حمایتی جایگزین پرداختهای قراردادهای انعطاف پذیر تولید^۲ در قانون زراعی ۱۹۹۶ در خصوص محصولات گندم، ذرت، جو، ذرت علوفه‌ای، جودوسر، پنبه و برنج شده است. به علاوه این برنامه محصولات سویا، دانه های روغنی و بادام زمینی را هم تحت پوشش قرار داده است. نرخ این پرداختها برای محصولات تحت پوشش طی سالهای ۲۰۰۲-۰۷ بیشتر از نرخ پرداختی در سال ۲۰۰۱ است. مقدار این پرداخت مستقیم به کشاورزان واجد شرایط برابر است با نرخ پرداخت برای هر محصول ضربدر مقدار عملکرد در ۸۵٪ مقدار سطح زیر کشت. حداکثر این پرداخت به مقدار ۴۰ هزار دلار برای هر کشاورز در هر سال زراعی به علاوه ۴۰ هزار دلار برای بادام زمینی محدود می شود.

۳- پرداختهای غیر دوره ای^۳

این پرداختهای حمایتی برای گندم، غلات علوفه ای، پنبه، برنج، دانه های روغنی و بادام زمینی جایگزین برنامه کمک زیان بازار^۴ در دوره ۱۹۹۸-۰۱ شده است. قیمت‌های هدف برای هر یک از محصولات بر مبنای سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ تعیین شده و برای سالهای ۲۰۰۴-۰۷ برای اکثر محصولات افزایش یافته است (جدول ۱). پرداختهای غیر دوره ای در صورتی قابل پرداخت به کشاورز است که قیمت بازار یا قیمت اعتباری برای یک محصول مشخص شده کمتر از قیمت هدف در جدول یک باشد. مقدار این پرداخت برابر است با نرخ پرداخت (تفاوت قیمت هدف با قیمت بازار) ضربدر عملکرد و ۸۵٪ سطح زیر کشت. پرداخت دوره ای در هر سال زراعی به سطح ۶۵ هزار دلار به اضافه ۶۵ هزار دلار برای بادام زمینی محدود می شود.

البته در این قانون سیاستهای متنوع دیگری برای حمایت از تولید شکر، پنبه و پشم، محصولات لبنی و دامپروری، تنباکو، بادام زمینی و دانه‌های روغنی و همچنین پرداختهایی به منظور حفاظت منابع آب و خاک و محیط زیست وجود دارد که مجال مطالعه آنها در این مقاله

-
1. direct payment for crop (DPC)
 2. production flexibility contract payments
 3. counter cyclical payments
 4. market loss assistance payments

امکانپذیر نیست. با عنایت به مطالب فوق، در ادامه با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و جستجو در سایتهای اینترنتی، به بررسی حمایت‌های تولیدی به شکل کلی و در کشورهای مختلف پرداخته می‌شود.

۱. حمایت‌های تولیدی در نگاهی کلی

همان طور که از جدول ۲ مشخص است، برخلاف شعارهای جهانی شدن و رقابتی کردن قیمت محصولات کشاورزی در سطح بین‌المللی، هنوز بخش کشاورزی در کشورهای عضو OECD از حمایت‌های بسیار گسترده‌ای برخوردار است. این حمایت‌ها انواع گوناگونی دارد ولی بخش عمده‌ای از آنها از طریق سیاست‌گذاری قیمتی اعمال می‌شود. به نظر می‌رسد که دلیل اصلی این امر کارایی بالاتر ساز و کار قیمت و هزینه‌های کمتر آن برای دولت نسبت به سایر انواع حمایت‌ها باشد، به طوری که بار اصلی آن بردوش مالیات دهندگان و مصرف کنندگان است. طبق جدول ۲ مقدار حمایت از تولیدکننده از ۲۲۹۶۹۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ به ۲۵۷۲۸۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳ افزایش یافته که میزان این افزایش در حدود ۱۲ درصد بوده است. طی سالهای ۲۰۰۱-۰۳ نسبت کل حمایت به ارزش کل تولیدات کشاورزی نسبتاً بالا و در حدود ۴۸٪ بوده که نسبت به مقدار سال مینا (۵۱٪)، به دلیل اجرای تعهدات کاهش‌ی در مقررات و موافقتنامه‌های کشاورزی سازمان تجارت جهانی، اندکی کاهش یافته است. درصد شاخص PSE، که نشان‌دهنده مقدار حمایت از تولیدکننده بر حسب درآمد ناخالص مزرعه است، در کشورهای عضو OECD در سال ۲۰۰۳ برابر با ۳۲٪ بوده که در مقایسه با مقدار ۳۱ درصدی آن در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است. به عبارتی دیگر، یک سوم درآمد ناخالص کشاورزان در این کشورها ماحصل اتخاذ سیاست‌های حمایتی بوده است. عامل اصلی افزایش شاخص مذکور در سال ۲۰۰۳ در کشورهای عضو OECD، افزایش بودجه حمایتی در آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا بوده است.

جدول ۲. میزان حمایت از محصولات کشاورزی در کشورهای OECD

...

واحد: میلیون دلار، درصد

۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۰۳-۲۰۰۱	۸۸-۱۹۸۶	میزان حمایت
۷۱۴۴۳۵	۳۵۲۵۲۶	۶۵۳۱۷۰	۶۷۳۳۷۷	۵۹۶۴۸۴	ارزش کل تولیدات کشاورزی برحسب قیمت سر مزرعه نسبت حمایت کل به ارزش تولیدات کشاورزی (درصد)
%۴۹	%۴۸	%۴۷	%۴۸	%۵۱	
۲۵۷۲۸۵	۲۲۹۶۹۱	۲۲۷۹۵۵	۲۳۸۳۱۰	۲۴۱۰۷۷	حمایت از تولید کنندگان کشاورزی (PSE)
%۳۲	%۳۱	%۳۱	%۳۱	%۳۷	
۶۱۹۷۹	۵۶۸۵۲	۵۴۷۷۱۵	۵۷۸۴۹	۴۰۹۴۶	حمایتهای زیربنایی و خدمات عمومی (GSSE) درصد از حمایت کل (GSSE/TSE)
%۱۷/۷	%۱۸/۱	%۱۷/۸	%۱۷/۹	%۱۳/۴	
۳۴۹۸۰۸	۳۱۴۳۰۹	۳۰۸۰۴۱	۳۲۴۰۵۳	۳۰۳۷۲۰	حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE)
۱۸۶۲۳۷	۱۶۷۹۸۲	۱۵۷۹۲۷	۱۷۰۷۱۵	۲۰۴۰۳۴	پرداختهای انتقالی از مصرف کنندگان به کشاورزان
۱۹۱۱۹۷	۱۷۰۷۷۵	۱۷۲۱۹۷	۱۷۸۰۵۶	۱۱۷۱۴۳	پرداختهای انتقالی از مالیات دهندگان به کشاورزان
-۲۷۶۲۶	-۲۴۴۴۸	-۲۲۰۸۲	-۲۴۷۱۹	-۱۷۴۵۷	خالص درآمدهای بودجه ای
%۱/۱۹	%۱/۱۹	%۱/۲۲	%۱/۲۰	%۲/۳۲	درصد حمایت کل به تولید ناخالص داخلی
۱/۳۱	۱/۳۱	۱/۳۱	۱/۳۱	۱/۵۶	ضریب حمایت اسمی تولید کننده
۱/۴۶	۱/۴۵	۱/۴۴	۱/۴۵	۱/۵۹	ضریب کمک اسمی تولید کننده

مأخذ: منبع ۱۱

* ارقام فوق برآورد های مقدماتی است.

اگر حمایتهای انجام شده برحسب شاخص نرخ کمک اسمی (NAC) اندازه گیری شود نسبت ارزش تولیدات برحسب قیمت سر مزرعه به ارزش تولیدات برحسب قیمت جهانی طی سالهای ۲۰۰۱-۰۳ برابر با ۱/۴۵ به دست می آید. به عبارتی در اثر حمایتها و مداخلات دولت، ارزش دریافتی کشاورزان ۴۵٪ بیشتر از وقتی است که ارزش محصولشان برحسب قیمت جهانی محاسبه شود. این در حالی است که این شاخص در سال پایه (۸۸-۱۹۸۶) برابر با ۱/۵۹ بوده است (نمودار ۱).

تفاوتهای زیادی بین سطوح حمایتی در میان کشورهای عضو OECD دیده می شود که منعکس کننده اختلاف هدفهای سیاستگذاری و سابقه استفاده از ابزارهای حمایتی و شدت کاربرد آنها و نیز درجه پیشرفت در اصلاحات سیاستهای کشاورزی بعد از موافقتنامه کشاورزی دور اروگوئه است. متوسط درصد شاخص PSE طی سالهای ۲۰۰۱-۰۳، در کشورهای استرالیا و نیوزلند کمتر از ۵٪ بوده است. در آمریکای شمالی (کانادا، آمریکا و مکزیک)، لهستان، اسلواکی و ترکیه متوسط

شاخص فوق حدود ۲۰٪ و در کشورهای جمهوری چک و مجارستان برابر ۲۵٪ و در اتحادیه اروپا معادل ۳۵٪ بوده است. یادآوری می‌شود که همین شاخص در کشورهای ژاپن، ایسلند، کره، نروژ و سوئیس افزون بر ۶۰٪ بوده است.

میزان حمایت از تولید کننده در کشورهای عضو OECD در درازمدت کاهش یافته است. میانگین شاخص درصد PSE طی سالهای ۲۰۰۱-۰۳ به استثنای مجارستان، مکزیک، لهستان (نسبت به سال ۱۹۹۱-۹۳) و ترکیه که میزان حمایت آنها افزایش یافته، پایتیر از مقدار متوسط آن در سال مبنا در تمام کشورهای عضو بوده در حالی که میزان حمایت در کشور نروژ نسبت به سال مبنا بدون تغییر باقی مانده است (نمودار ۲).

بیشترین میزان کاهش حمایتها در کشورهای نیوزلند، اتریش، کانادا، جمهوری چک و اسلواکی تحقق یافته و میزان شاخص درصد PSE این کشورها از متوسط کشورهای عضو OECD کمتر بوده است.

...

نمودار ۱. شاخصهای حمایت از تولید کننده (PSE)، نرخ اسمی حمایت (NPC) و نرخ کمک اسمی (NAC)

نمودار ۲. مقایسه درصد شاخص حمایت از تولید کننده (PSE %) در کشورهای عضو OECD

۲. مقایسه مقدار حمایت از محصولات کشاورزی در OECD

همان طور که اشاره شد در بین اعضای OECD تفاوت‌های چشمگیری در میزان ونحوه حمایت از محصولات کشاورزی وجود دارد. طی سالهای ۲۰۰۱-۰۳ به طور میانگین مقدار شاخص درصد حمایت از تولید کننده برای کل محصولات کشاورزی ۳۱٪ بوده است. به عبارتی ۳۱ درصد از درآمد کشاورزان از طریق حمایت‌های دولت ایجاد شده است. این حمایتها را برحسب محصولات می‌توان به سه گروه زیر تقسیم کرد:

گروه اول: میزان حمایت برحسب دریافتهای ناخالص کشاورز. در این گروه از محصولات کمتر از متوسط کل محصولات بوده، به طوری که این شاخص برای تولید کنندگان تخم مرغ و پشم زیر ۱۰٪، برای گوشت خوک و مرغداریهای گوشتی حدود ۲۰٪، برای ذرت و دانه های روغنی حدود ۲۵٪ بوده است.

گروه دوم: میزان حمایت برحسب دریافتهای ناخالص تولید کنندگان کشاورزی. در این گروه از محصولات مقداری بیشتر از متوسط کل محصولات بوده، به طوری که شاخص درصد حمایت از تولید کنندگان گوشت گوساله ۳۳٪، گندم و گوشت گوسفند ۴۰٪ بوده است.

گروه سوم: در این گروه از محصولات میزان حمایت برحسب دریافتهای ناخالص کشاورز به طور چشمگیری بیشتر از متوسط کل محصولات بوده، به گونه‌ای که شاخص حمایت از تولید کنندگان شیر و شکر در حدود ۵۰٪ و برای تولید کنندگان برنج نزدیک به ۸۰٪ بوده است (نمودار ۳).

نمودار ۳. مقایسه میزان حمایت از تولید کنندگان محصولات مختلف در کشورهای OECD

...

مقدار حمایت از تولیدکنندگان برای تمام محصولات کشاورزی در حال حاضر نسبت به سال مینا کاهش یافته به غیر از گوشت خوک، گوساله، گاو، مرغ و دانه های روغنی که مقدار آن نسبت به سال مینا افزایش یافته است. بیشترین میزان کاهش اعم از مطلق و نسبی در غلات (به غیر از برنج) اتفاق افتاده است (نمودار ۳ و جدول ۳).

جدول ۳. مقایسه میزان حمایت PSE از تولید کنندگان محصولات کشاورزی

در کشورهای عضو OECD واحد: میلیون دلار - درصد

محصول	۸۸-۱۹۸۶	۰۳-۲۰۰۱	۲۰۰۱	۲۰۰۲	*۲۰۰۳
گندم	۱۸۶۶۴ ٪۴۷	۱۵۱۷۳ ٪۳۷	۱۴۵۹۶ ٪۳۷	۱۴۰۱۳ ٪۳۶	۱۶۹۱۰ ٪۳۷
ذرت	۱۲۶۹۳ ٪۴۰	۹۶۹۴ ٪۲۴	۱۰۶۹۰ ٪۲۸	۹۱۷۵ ٪۲۳	۹۲۱۷ ٪۲۱
برنج	۲۶۹۳۲ ٪۸۱	۲۲۲۵۴ ٪۷۸	۲۴۱۹۳ ٪۸۱	۲۲۰۹۳ ٪۷۸	۲۰۴۷۷ ٪۷۴
سایر غلات	۱۱۱۹۷ ٪۵۲	۸۲۰۸ ٪۴۱	۷۹۴۶ ٪۴۰	۷۵۲۱ ٪۴۱	۹۱۵۸ ٪۴۱
دانه های روغنی	۵۳۸۷ ٪۲۷	۶۶۸۰ ٪۲۴	۷۸۰۳ ٪۳۰	۵۱۰۱ ٪۱۹	۷۱۳۶ ٪۲۲
شکر	۵۷۷۷ ٪۵۴	۶۱۲۷ ٪۵۱	۴۹۷۴ ٪۴۷	۶۳۱۳ ٪۵۱	۷۰۹۳ ٪۵۶
شیر	۴۸۱۰۷ ٪۵۹	۴۳۳۹۳ ٪۴۸	۴۱۳۲۸ ٪۴۶	۴۱۴۵۴ ٪۴۸	۴۷۳۹۶ ٪۴۹
گوشت گاو و گوساله	۲۲۲۳۰ ٪۳۲	۲۷۵۱۳ ٪۳۳	۲۲۶۴۶ ٪۳۰	۲۶۲۹۵ ٪۳۴	۳۳۵۹۸ ٪۳۵
گوشت گوسفند	۴۶۷۷ ٪۵۵	۳۸۴۲ ٪۳۸	۳۵۸۳ ٪۴۰	۲۸۲۰ ٪۳۲	۵۱۲۲ ٪۴۲
گوشت مرغ	۴۸۹۳ ٪۲۰	۶۵۱۴ ٪۱۷	۶۰۱۳ ٪۱۵	۶۸۹۷ ٪۱۹	۶۶۳۲ ٪۱۷
تخم مرغ	۲۶۳۸ ٪۱۷	۱۳۷۷ ٪۸	۱۵۶۳ ٪۹	۱۴۳۷ ٪۸	۱۱۳۲ ٪۵
سایر محصولات	۶۸۸۳۳ ٪۲۹	۷۶۸۰۰ ٪۲۶	۷۲۳۲۳ ٪۲۵	۷۵۸۲۰ ٪۲۵	۸۲۲۵۶ ٪۲۷
کل محصولات	۲۴۱۰۷۷ ٪۳۷	۲۳۸۳۱۰ ٪۳۱	۲۲۷۹۵۵ ٪۳۱	۲۲۹۶۹۱ ٪۳۱	۲۵۷۲۸۵ ٪۳۲

مأخذ: منبع ۱۱

* ارقام فوق برآورد های مقدماتی است.

حمایت از محصولات زراعی فقط در دو محصول دانه های روغنی و شکر مشاهده می شود که مقدار آن در اولی از ۵۳۸۷ میلیون دلار در سال مینا به ۶۶۸۰ میلیون دلار در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ رسیده که نشاندهنده ۲۴٪ افزایش است. مقدار حمایت از شکر نیز از ۵۷۷۷ میلیون دلار به ۶۱۲۷ میلیون دلار در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ رسیده که حاکی از ۶٪ رشد است (جدول ۳). این افزایش حمایت برای گوشت مرغ هم دیده می شود، زیرا مقدار حمایت از آن از ۴۸۹۳ میلیون دلار در سال مینا به ۶۵۱۴ میلیون دلار در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ رسیده که گویای ۳۳٪ افزایش است، اگرچه این مقدار حمایت برحسب دریافتیهای ناخالص تولید کنندگان کشاورزی از ۲۰٪ به ۱۷٪ تنزل کرده است (جدول ۳).

مقدار حمایت از گوشت گاو و گوساله از ۲۲۲۳۰ میلیون دلار در سال مینا به ۲۷۵۱۳ میلیون دلار در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ افزایش یافته که حاکی از ۲۴٪ رشد است. همچنین این مقدار حمایت برحسب درصد دریافتیهای ناخالص تولید کننده از ۳۲٪ به ۳۳٪ ارتقا یافته است.

۳. حمایت سرانه از یک کشاورز تمام وقت و مقدار زمین کشاورزی

به طور متوسط کشورهای عضو OECD به هر کشاورز تمام وقت ۱۲ هزار دلار طی سالهای ۲۰۰۰-۰۲ پرداخت کرده اند. بدیهی است که کشاورزان نیمه وقت به تناسب زمان فعالیت خود در بخش کشاورزی از این حمایت، که نسبت به سال مینا ۳۳٪ افزایش یافته است، بهره مندند. بیشترین مقدار این نوع حمایت، یعنی ۳۸ هزار دلار، شامل حال کشاورزان نروژی شده و کشاورزان سوئسی، ایسلندی، ژاپنی و کره ای به ترتیب با ۳۳، ۲۷، ۲۳ و ۲۳ هزار دلار در رتبه های بعدی قرار دارند (جدول ۴). طی سالهای ۲۰۰۰-۰۲ اتحادیه اروپا و آمریکا نیز به کشاورزان تمام وقت به ترتیب ۲۱ و ۱۵ هزار دلار پرداخت کرده اند که این مقدار نسبت به سال مینا به ترتیب ۵۰٪ و ۴۰٪ افزایش یافته است. (جدول ۴).

جدول ۴. حمایت سرانه دریافتی توسط یک کشاورز تمام وقت

واحد: هزار دلار

کشور	۸۸-۱۹۸۶	۰۲-۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲*
استرالیا	۳	۲	۲	۲	۳
کانادا	۸	۱۰	۱۱	۱۰	۱۱
جمهوری چک (۱۹۹۱-۹۳)	۴	۵	۳	۶	۷
اتحادیه اروپا	۱۰	۱۵	۱۵	۱۵	۱۷
مجارستان	۲	۵	۴	۴	۶
ایسلند	۲۵	۲۷	۳۱	۲۴	۲۷
ژاپن	۱۴	۲۳	۲۶	۲۲	۲۱
جمهوری کره	۸	۲۳	۲۴	۲۱	۲۳
مکزیک	-	۱	۱	۱	۱
نیوزیلند	۴	۱	۱	۰	۱
نروژ	۲۹	۳۸	۳۵	۳۴	۴۵
لهستان (۱۹۹۱-۹۳)	۱	۱	۱	۱	۱
جمهوری اسلواکی (۱۹۹۱-۹۳)	۲	۳	۳	۳	۴
سوئیس	۳۱	۳۳	۳۲	۳۲	۳۴
آمریکا	۱۵	۲۱	۲۲	۲۳	۱۷
کشورهای OECD	۹	۱۲	۱۲	۱۱	۱۱

مأخذ: منبع ۱۲

*ارقام فوق برآوردهای مقدماتی است.

جدول ۵ مقدار پرداختهای حمایتی به کشاورزان را بر حسب هر هکتار زمین کشاورزی (شامل کلیه زمینهای دائرکشاورزی و چراگاه ها) نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود طی سالهای ۲۰۰۰-۰۲ کشورهای OECD به طور میانگین ۱۸۲ دلار به ازای هر هکتار پرداخت کرده‌اند که تقریباً نسبت به سال مبنا ثابت باقی مانده است. به دلیل کمبود زمینهای زراعی بالاترین حمایت به این شیوه توسط دولت ژاپن و جمهوری کره انجام گرفته به طوری که درازای هر هکتار زمین طی سالهای ۲۰۰۰-۰۲ به ترتیب ۹۸۲۸ و ۹۳۰۷ دلار پرداخت شده است. بعد از دو کشور فوق، در رده بعدی کشورهای سوئیس و نروژ قرار دارد که به ترتیب ۲۹۵۸ و ۲۲۵۴ دلار به ازای هر هکتار پرداخت کرده‌اند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا به طور میانگین به ازای هر هکتار زمین کشاورزی یا چراگاه‌های دائمی ۶۷۰ دلار پرداخت کرده‌اند. هرچقدر میزان زمینهای کشاورزی و زراعی بیشتر باشد اصولاً

میزان پرداختیها نیز کمتر است، به طوری که مجارستان و جمهوری چک به ترتیب به ازای هر هکتار ۲۰۵ و ۱۹۶ دلار پرداخت کرده اند. دو کشور نیوزلند و استرالیا به دلیل گستردگی چراگاههای طبیعی و زمینهای زراعی کمترین میزان حمایت را به این شیوه دارند. اما کشور ترکیه در سالهای ۲۰۰۰-۰۲ به ازای هر هکتار زمین ۱۲۵ دلار پرداخت کرده و کشور آمریکا نیز به رغم داشتن زمینهای بسیار وسیع کشاورزی طی همین سالها به طور متوسط ۱۱۲ دلار به ازای هر هکتار حمایت کرده است (جدول ۵).

جدول ۵. حمایت دریافتی توسط کشاورز در هر هکتار زمین کشاورزی

واحد: دلار

کشور	۱۹۸۶-۸۸	۲۰۰۰-۰۲	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲*
استرالیا	۳	۲	۲	۲	۲
کانادا	۷۶	۵۶	۵۳	۵۳	۶۲
جمهوری چک (۱۹۹۱-۹۳)	۳۱۵	۱۹۶	۱۲۹	۲۰۶	۲۵۴
اتحادیه اروپا	۷۰۹	۶۷۰	۶۴۳	۶۳۷	۷۳۰
مجارستان	۱۴۲	۲۰۵	۱۷۸	۱۷۲	۲۶۵
ایسلند	۱۰۳	۶۵	۷۶	۵۶	۶۴
ژاپن	۹۱۶۳	۹۸۲۸	۱۱۱۲۲	۹۳۳۵	۹۰۲۸
جمهوری کره	۵۴۴۰	۹۳۰۷	۹۹۷۷	۸۶۰۴	۹۳۴۱
مکزیک	-۱	۷۱	۷۰	۶۷	۷۵
نیوزلند	۳۳	۵	۵	۳	۷
نروژ	۲۸۲۰	۲۲۵۴	۲۱۸۴	۲۰۵۱	۲۵۲۶
لهستان (۱۹۹۱-۹۳)	۷۷	۱۱۴	۱۰۹	۱۱۸	۱۱۴
جمهوری اسلواکی (۱۹۹۱-۹۳)	۲۲۱	۱۲۷	۱۴۸	۹۶	۱۳۷
سوئیس	۳۳۵۷	۲۹۵۸	۲۸۶۴	۲۸۱۳	۳۱۹۷
ترکیه	۷۴	۱۲۵	۱۶۹	۵۶	۱۵۱
آمریکا	۹۸	۱۱۲	۱۱۹	۱۲۳	۹۴
کشورهای OECD	۱۸۳	۱۸۲	۱۸۸	۱۷۶	۱۸۲

...

مأخذ: منبع ۱۲
* ارقام فوق برآوردهای مقدماتی است.

۴. بررسی حمایت دربرخی از کشورهای عضو OECD

آمریکا:

قانون زراعی جدید آمریکا که از سال ۲۰۰۳ در این کشور اجرا شده، سطح حمایت از بخش کشاورزی را بشدت افزایش داده و مخالفت‌هایی را در سایر کشورها از جمله اروپا برانگیخته است. با وجود اینکه آمریکا در جولای ۲۰۰۲ طرحی برای دسترسی بیشتر به بازار جهانی محصولات کشاورزی، کاهش یارانه‌های داخلی و کاهش تعرفه‌های جهانی به کمتر از ۲۵٪ به WTO پیشنهاد داد، سایر کشورها به این طرح تردید داشتند و آن را ریاکارانه می‌دانستند؛ چون قانون زراعی ۲۰۰۲ آمریکا ۷۰٪ بر یارانه‌های کشاورزی افزود و از این حیث در بین سیاست‌های کشاورزی آمریکا بی‌نظیر بود. این قانون نسخه نهایی قانون اصلاحات و بهبود کشاورزی فدرال آمریکا در سال ۱۹۹۶ است. در این قانون پرداخت‌های حمایتی در قالب پرداخت‌های مستقیم و پرداخت‌های غیر دوره‌ای انجام می‌شود.

حمایت از تولیدکنندگان کشاورزی برحسب درآمد ناخالص مزرعه در سال مبنای ۲۵٪ به ۲۰٪ طی سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته که این مقدار کمتر از متوسط کشورهای عضو OECD بوده است. طی سالهای ۲۰۰۱-۰۳ در این کشور وضعیت حمایت از محصولات کشاورزی متفاوت بوده به طوری که حمایت از تولیدکنندگان شکر برحسب درآمد ناخالص بالای ۵۵٪ و برای تولیدکنندگان شیر و برنج ۴۵٪ و برای تولیدکنندگان گندم در حدود ۳۵٪ بوده است. در ترکیب PSE سهم پرداخت‌های حمایتی برحسب محصول و نهاده از ۷۰٪ در سال مبنای ۶۵٪ طی سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته است. سهم پرداخت‌های حمایتی برحسب سطح کشت، که نیازمند تولید محصولات مختلف بود، از ۲۷٪ در سال مبنای ۱۰٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته ولی براساس قانون جدید، به ۱۸٪ افزایش یافته است. در سال مبنای قیمت‌های دریافتی توسط تولیدکنندگان ۱۹٪ بالاتر از قیمت‌های جهانی بوده در حالی که در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ به ۱۲٪ کاهش یافته است. حمایت از خدمات عمومی و زیربنایی بخش کشاورزی از ۲۳٪ در سال مبنای ۲۹٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ افزایش یافته است. ولی نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی از ۴۸٪ در سال مبنای ۴۹٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ افزایش یافته است (جدول ۶).

...

جدول ۶. شیوه های حمایت دولت از تولید کنندگان کشاورزی در ایالات متحده آمریکا

۲۰۰۳*	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۰۳-۲۰۰۱	۸۸-۱۹۸۶	شیوه های حمایت (میلیون دلار)
۱۴۶۹۵	۱۵۵۹۴	۲۰۲۱۹	۱۶۸۳۶	۱۹۵۲۵	حمایت قیمتی
۳۰۲۰	۲۱۴۶	۹۳۵۵	۴۸۴۱	۲۹۱۹	پرداخت بر مبنای تولید
۱۸۴۳	۴۰۰۱	۲۸۶۲	۲۹۰۲	۱۱۳۱۳	پرداخت بر مبنای سطح کشت یا تعداد دام
۲۴۵۰	۱۸۲۹	۰	۱۴۲۶	۰	پرداختهای مستقیم غیر دوره ای
۵۲۲۹	۶۵۱۶	۸۷۳۹	۶۸۲۸	۰	پرداخت بر مبنای سابقه مشارکت در طرحها
۷۲۱۲	۶۹۱۹	۷۵۳۴	۷۲۲۲	۶۵۲۶	پرداخت بر مبنای مصرف نهاده
۱۹۷۲	۲۰۴۴	۱۹۱۸	۱۹۷۸	۶۳۷	پرداخت بر مبنای محدودیت مصرف نهاده ها
۲۴۵۶	۱۷۹۸	۲۳۶۴	۲۲۰۶	۹۱۲	حمایت بر مبنای درآمد کلی مزرعه
۳۸۸۷۸	۴۰۸۴۹	۵۲۹۹۱	۴۴۲۳۹	۴۱۸۳۱	جمع حمایت از تولید کنندگان کشاورزی
٪۱۸	٪۱۹	٪۲۳	٪۲۰	٪۲۵	%PSE
۱/۱۰	۱/۱۰	۱/۱۷	۱/۱۲	۱/۱۹	ضریب حمایت اسمی از تولید کننده
۱۹۲۰۱۴	۱۹۰۴۶۹	۱۹۸۰۸۱	۱۹۳۵۲۲	۱۴۳۴۶۹	ارزش محصولات بر حسب قیمت سرمزرعه
۲۹۶۱۸	۲۶۷۳۵	۲۵۱۲۵	۲۷۱۵۹	۱۶۱۵۱	حمایت از طریق خدمات عمومی (GSSE)
۹۴۰۷۶	۹۱۵۴۵	۹۹۷۶۳	۹۵۱۲۸	۶۹۴۵۰	حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE)
٪۴۹	٪۴۸	٪۵۰	٪۴۹	٪۴۸	نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی (درصد)

مأخذ: منبع ۱۱

* ارقام فوق برآورد های مقدماتی است.

اتحادیه اروپا:

مقدار حمایت از تولید کننده بر حسب درآمد ناخالص مزرعه به طور متوسط در کشورهای عضو اتحادیه اروپا از ۳۹٪ در سال مینا به ۳۵٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته ولی هنوز از متوسط کشورهای عضو OECD، یعنی ۳۱٪، بالاتر است. به دلیل بالا رفتن ارزش یورو در مقابل دلار آمریکا و پیوستن اروپای مرکزی به اتحادیه اروپا مقدار حمایت از تولید کننده از ۳۵٪ در سال ۲۰۰۲ به ۳۷٪ در سال ۲۰۰۳ افزایش یافته است. میزان حمایت بر حسب درآمد تولید کنندگان کشاورزی عضو این اتحادیه دارای دامنه وسیعی از ۱۵٪ تا ۷۵٪ است. در ترکیب PSE سهم پرداختهای حمایتی بر حسب

محصول و نهاده از ۹۶٪ در سال مینا به ۶۹٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته است. در سال مینا قیمت‌های دریافتی توسط کشاورزان ۷۲٪ بالاتر از قیمت‌های جهانی بوده در حالی که در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ به ۳۴٪ کاهش یافته است. در ترکیب PSE سهم حمایت بر اساس سطح کشت و تعداد دام‌های نگهداری شده در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ به ۲۸٪ رسیده است. حمایت از خدمات عمومی و زیربنایی بخش کشاورزی از ۹/۶٪ در سال مینا به ۸/۱٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته است. ولی نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی از ۴۸٪ در سال مینا به ۴۷٪ کاهش یافته است (جدول ۷).

جدول ۷. شیوه‌های حمایت دولت از تولید کنندگان کشاورزی در اتحادیه اروپا

۲۰۰۳*	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۱-۰۳	۱۹۸۶-۸۸	شیوه‌های حمایت (میلیون یورو)
۶۱۵۵۲	۵۸۲۳۱	۵۵۱۵۰	۵۸۳۱۱	۷۴۷۵۱	حمایت قیمتی
۳۵۹۹	۳۵۹۲	۴۱۸۶	۳۷۹۲	۴۵۲۴	پرداخت بر مبنای تولید
۲۹۵۶۳	۲۶۲۲۹	۲۸۲۸۹	۲۸۰۲۷	۲۴۱۵	پرداخت بر مبنای سطح کشت یا تعداد دام
۶۳۳	۵۹۸	۵۹۱	۶۰۸	۰	پرداخت بر مبنای سابقه مشارکت در طرحها
۸۳۳۵	۷۷۲۵	۷۶۶۳	۷۹۰۸	۴۵۲۵	پرداخت بر مبنای مصرف نهاده
۴۶۵۳	۴۰۵۱	۳۵۱۵	۴۰۷۳	۶۴۳	پرداخت بر مبنای محدودیت مصرف نهاده ها
۰	۰	۰	۰	۰	پرداخت بر مبنای درآمد کلی مزرعه
-۸۴	۱۴۹	-۹۹	-۱۱	۲۶	سایر شیوه‌های حمایتی
۱۰۸۲۵۱	۱۰۰۵۷۷	۹۹۲۹۵	۱۰۲۷۰۸	۸۶۸۸۴	جمع حمایت از تولید کنندگان کشاورزی
٪۳۷	٪۳۵	٪۳۴	٪۳۵	٪۳۹	/PSE
۱/۳۷	۱/۳۳	۱/۳۱	۱/۳۴	۱/۷۲	ضریب حمایت اسمی از تولید کننده
۲۴۳۰۳۰	۲۴۳۶۹۴	۲۴۹۱۴۳	۲۴۵۲۸۹	۲۱۱۴۰۷	ارزش محصولات بر حسب قیمت سر مزرعه
۹۶۷۵	۹۳۳۸	۹۲۱۶	۹۴۱۰	۹۶۷۷	حمایت از طریق خدمات عمومی (GSSE)
۱۲۱۸۹۰	۱۱۳۵۶۰	۱۱۲۱۸۷	۱۱۵۸۷۹	۱۰۰۹۴۸	حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE)
٪۵۰	٪۴۷	٪۴۵	٪۴۷	٪۴۸	نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی (درصد)

مأخذ: منبع ۱۱

...

* ارقام فوق برآوردهای مقدماتی است.

ترکیه:

عمده برنامه دولت ترکیه در سال ۲۰۰۳ کاهش ۴۰ درصدی قیمت سوخت برای کشاورزان و کاهش ۷۵ درصدی هزینه های تأمین مالی کمک به شرکتهای بازرگانی دولتی و تعاونیهای فروش محصولات کشاورزی بوده است. همچنین قیمت خرید غلات و سویا از کشاورزان بیش از نرخ تورم (در حدود ۲۵٪) افزایش داده شده است. حمایت از تولید کننده برحسب درآمد ناخالص کشاورزان در سال مبنا از ۱۵٪ به ۱۷٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ افزایش یافته در حالی که در سال ۲۰۰۳ به دلیل شکاف زیاد بین قیمتهای جهانی و قیمتهای داخلی محصولات کشاورزی، به ۲۶٪ افزایش یافته است. مقدار درصد PSE برای گوشت گوساله بیشتر از ۵۰٪، برای شکر ۴۵٪ و برای شیر ۲۵٪ بوده است. در ترکیب PSE سهم پرداختهای حمایتی برحسب محصول و نهاده از ۹۹٪ در سال مبنا به ۸۵٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته است. در سال مبنا قیمتهای دریافتی توسط کشاورزان ۱۵٪ بالاتر از قیمتهای جهانی بوده در حالی که در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ به ۱۹٪ افزایش یافته است. حمایت جدیدی تحت عنوان حمایت درآمدی مستقیم، به صورت تضمینی و متغیر برحسب هر هکتار زمین به همه کشاورزان پرداخت شده است که ۱۶٪ از کل مقدار حمایت از بخش کشاورزی را در بر می گرفت.

جدول ۸. شیوه های حمایت دولت از تولید کنندگان کشاورزی در ترکیه

شیوه های حمایت (میلیارد لیر ترک)	۸۸-۱۹۸۶	۰۳-۲۰۰۱	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳*
حمایت قیمتی	۱۷۹۸	۶۰۰۸۰۸۶	۴۲۵۶۸۲	۶۱۲۳۹۸۸	۱۱۴۷۴۵۸۹
پرداخت بر مبنای تولید	۱۲	۳۸۱۰۹۸	۵۵۷۹۴۳	۲۷۴۵۰۴	۳۳۷۸۴۵
پرداخت بر مبنای سابقه مشارکت در طرحها	۰	۱۲۹۹۴۰۳	۸۳۶۴۰	۱۸۷۶۵۷۰	۱۹۳۸۰۰۰
پرداخت بر مبنای مصرف نهاده	۹۰۰	۳۱۲۸۹۰	۲۱۴۰۰۴	۱۸۶۷۱۳	۵۳۷۹۵۱
جمع حمایت از تولید کنندگان کشاورزی	۲۷۱۰	۸۰۰۱۴۷۷	۱۲۸۱۲۶۹	۸۴۳۴۷۷۶	۱۴۲۸۸۳۸۵
PSE٪	٪۱۵	٪۱۷	٪۵	٪۲۰	٪۲۶
ضریب حمایت اسمی از تولید کننده	۱/۱۵	۱/۱۹	۱/۰۵	۱/۲۰	۱/۳۲
ارزش محصولات برحسب قیمت سرمزرعه	۱۸۱۷۹	۳۸۸۹۶۹۳۱	۲۶۰۸۳۱۵۹	۳۹۲۴۱۲۰۴	۵۱۳۶۶۴۳۲
حمایت از طریق خدمات عمومی (GSSE)	۳۲۶	۳۱۰۳۵۷۲	۳۸۷۹۷۳۸	۳۸۲۰۱۲۴	۱۶۱۰۸۵۳
حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE)	۳۰۳۶	۱۱۱۰۵۰۴۸	۵۱۶۱۰۰۶	۱۲۲۵۴۹۰۰	۱۵۸۹۹۲۳۸
نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی (درصد)	٪۱۷	٪۲۹	٪۲۰	٪۳۱	٪۳۱

مأخذ: منبع ۱۱ *ارقام فوق برآورد های مقدماتی است.

حمایتهای عمومی و زیر بنایی کشاورزی از ۱۱٪ در سال مبنا به ۲۸٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ افزایش یافته است. مقدار کل حمایت از بخش کشاورزی برحسب تولید ناخالص داخلی از ۳/۶٪ در

...

سال مینا به ۴/۱ درصد در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ افزایش یافته است. ولی نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی از ۱۷٪ در سال مینا به ۲۹٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ افزایش یافته است (جدول ۸).

کانادا:

دولت کانادا دارای برنامه تثبیت درآمد کشاورزان است که به صورت سیاستی مجزا در قانون جامع حمایت کشاورزی آن کشور وجود دارد. درصد PSE برحسب درآمد ناخالص کشاورزان از ۳۴٪ در سال مینا به ۱۹٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته است. تولیدکنندگان شیر مشمول بیشترین حمایت دولت بوهاند. در ترکیب PSE سهم حمایت قیمتی و پرداختهای حمایتی برحسب محصول ونهاده از ۸۲٪ در سال مینا به ۵۹٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته است. در سال مینا قیمتهای دریافتی توسط کشاورزان ۴۰٪ بالاتر از قیمتهای جهانی بوده درحالی که در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ به ۱۳٪ کاهش یافته است. حمایتهای عمومی و زیر بنایی کشاورزی از ۲۰٪ کل حمایتها در سال مینا به ۲۶٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ افزایش یافته است. ولی نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی از ۵۱٪ در سال مینا به ۲۹٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته است.

جدول ۹. شیوه های حمایت دولت از تولید کنندگان کشاورزی در کانادا

۲۰۰۳*	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۱-۰۳	۱۹۸۶-۸۸	شیوه های حمایت (میلیون دلار کانادا)
۳۷۴۶	۳۴۷۱	۲۹۳۲	۳۳۸۳	۳۶۵۹	حمایت قیمتی
۴۱۸	۲۲۹	۳۶۴	۳۳۷	۱۲۶۲	پرداخت بر مبنای تولید
۴۷۷	۱۲۱۶	۶۷۱	۷۸۸	۱۲۴۷	پرداخت بر مبنای سطح کشت یا تعداد دام
۱۳۱۴	۸۴۴	۸۱۰	۹۸۹	۰	پرداخت بر مبنای سابقه مشارکت در طرحها
۴۸۹	۴۷۹	۴۸۳	۴۸۴	۱۱۶۰	پرداخت بر مبنای مصرف نهاده
۲	۰	۰	۱	۰	پرداخت بر مبنای محدودیت مصرف نهاده ها
۱۱۱۲	۷۲۵	۸۸۸	۹۰۹	۰	پرداخت بر مبنای درآمد کلی مزرعه
۲۴۵	۱۲۴	-۳۴	۱۱۱	۱۵۳	سایر شیوه های حمایتی
۷۸۰۳	۷۰۸۷	۶۱۱۵	۷۰۰۲	۷۴۸۲	جمع حمایت از تولید کنندگان کشاورزی
٪۲۱	٪۲۰	٪۱۷	٪۱۹	٪۳۴	/PSE
۱/۱۵	۱/۱۳	۱/۱۱	۱/۱۳	۱/۴۰	ضریب حمایت اسمی از تولید کننده
۳۲۶۲۱	۳۲۶۰۰	۳۲۵۶۳	۳۲۵۹۵	۱۸۴۲۰	ارزش محصولات بر حسب قیمت سرمزرعه
۲۵۶۴	۲۵۷۶	۲۲۲۵	۲۴۵۵	۱۹۲۰	حمایت از طریق خدمات عمومی (GSSE)
۱۰۴۵۲	۹۶۶۳	۸۳۴۰	۹۴۸۵	۹۴۴۴	حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE)
٪۳۲	٪۳۰	٪۲۶	٪۲۹	٪۵۱	نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی (درصد)

مأخذ: منبع: ۱۱ * ارقام فوق برآورد های مقدماتی است.

مکزیک:

به علت پایین آمدن ۱۰ درصدی ارزش واحد پول مکزیکی (پزو) در سال ۲۰۰۳، شاخص PSE٪ به ۱۹٪ رسید که نسبت به سال ۲۰۰۲، که برابر با ۲۵٪ بود، ۳۸٪ کاهش یافت. درصد PSE در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ به ۲۱٪ افزایش یافته در حالی که برحسب مقدار قیمت ثابت نرخ ارز در سال ۱۹۹۱-۹۳ در سال مبنای مقدار آن صفر بوده است. در این کشور محصولات شکر، شیر و ذرت دارای سطح بالای حمایت هستند، به طوری که درصد PSE برابر ۴۰٪ یا بیشتر است. در ترکیب PSE سهم پرداختهای حمایتی برحسب محصول و نهاده از ۱۰٪ در سال ۱۹۹۱-۹۳ به ۸۰٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته است. در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ قیمتهای دریافتی توسط کشاورزان ۲۰٪ بالاتر از قیمتهای جهانی بوده است. حمایتهای عمومی و زیربنایی کشاورزی از ۱۰٪ کل حمایتها در سال ۱۹۹۱-۹۳ به ۸٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته است. ولی نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی از ۷٪ در سال مبنای ۲۵٪ افزایش یافته است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. شیوه های حمایت دولت از تولید کنندگان کشاورزی در مکزیکی

شیوه های حمایت (میلیون پزو)	۱۹۸۶-۸۸	۲۰۰۱-۰۳	۲۰۰۱	۲۰۰۲	*۲۰۰۳
حمایت قیمتی	-۲۴۲۱	۴۷۸۱۹	۴۲۱۹۱	۶۲۶۷۷	۳۸۵۹۰
پرداخت بر مبنای تولید	۲	۳۵۷۰	۴۱۹۶	۳۲۷۰	۳۲۴۳
پرداخت بر مبنای سطح کشت یا تعداد دام	۱	۱۲۶۷	۵۶۶	۶۶۷	۲۵۶۹
پرداخت بر مبنای سابقه مشارکت در طرحها	۰	۱۲۳۴۹	۱۱۰۰۵	۱۱۸۵۱	۱۴۱۹۱
پرداخت بر مبنای مصرف نهاده	۲۰۷۳	۶۵۵۶	۸۲۱۹	۵۸۷۲	۵۵۷۶
پرداخت بر مبنای درآمد کلی مزرعه	۰	۴۴۴	۵۹۷	۵۳۶	۲۰۰
جمع حمایت از تولید کنندگان کشاورزی	-۳۴۵	۷۲۰۰۵	۶۶۷۷۳	۸۴۸۷۲	۶۴۳۷۰
٪PSE	٪۰	٪۲۱	٪۲۰	٪۲۵	٪۱۹
ضریب حمایت اسمی از تولید کننده	۰/۹۲	۱/۲۰	۱/۱۸	۱/۲۷	۱/۱۵
ارزش محصولات بر حسب قیمت سر مزرعه	۲۳۲۴۹	۳۱۵۱۳۵	۳۰۵۸۳۸	۳۲۳۶۶۸	۳۱۵۹۰۱
حمایت از طریق خدمات عمومی (GSSE)	۸۴۸	۶۴۲۶	۶۷۴۲	۶۰۷۷	۶۴۵۸
حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE)	۱۵۸۹	۷۹۳۲۰	۷۴۹۰۳	۹۱۸۷۴	۷۱۱۸۵
نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی (درصد)	٪۷	٪۲۵	٪۲۴	٪۲۸	٪۲۳

مأخذ: منبع ۱۱ * ارقام فوق برآورد های مقدماتی است.

ژاپن:

بیشترین توجه سیاستگذاران ژاپن در سال ۲۰۰۳ به محصول برنج اختصاص داشت. برنامه حمایتی برنج در سال ۲۰۰۳ اعلام شد و مقدار حمایت نسبت به سال ۲۰۰۲ بدون تغییر ماند. مقدار حمایت از تولید کننده بر حسب درآمد ناخالص کشاورزان از ۶۱٪ در سال مینا (۱۹۸۶-۸۸) به ۵۸٪ در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ کاهش یافته ولی با این حال دو برابر مقدار میانگین در کشورهای عضو OECD بوده است. اختلاف مقدار حمایت در بین محصولات مختلف بسیار زیاد بوده ولی برنج، گندم، سایر غلات و شیر از بالاترین مقدار حمایت برخوردار بوده اند. در ترکیب PSE سهم پرداختهای حمایتی بر حسب محصول و نهاده در حدود ۹۳٪ بوده که از سال مینا تا ۲۰۰۳ تقریباً بدون تغییر مانده است. قیمت‌های دریافتی توسط کشاورزان در سال مینا (۱۹۸۶-۸۸) ۲۵٪ و در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ حدود ۲۳٪ بیشتر از قیمت‌های جهانی بوده است. مقدار حمایت‌های عمومی و زیر بنایی بخش کشاورزی از ۱۵٪ حمایت‌های کل در سال مینا به ۲۱٪ حمایت‌های کل در سالهای ۲۰۰۱-۰۳ افزایش یافته است. ولی نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات کشاورزی از ۷۷٪ در سال مینا به ۷۸٪ افزایش یافته است (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. شیوه های حمایت دولت از تولید کنندگان کشاورزی در ژاپن

۲۰۰۳*	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۰۳-۲۰۰۱	۸۸-۱۹۸۶	شیوه های حمایت (میلیارد ین)
۴۶۷۴	۴۸۳۱	۴۹۶۶	۴۸۲۴	۶۳۹۶	حمایت قیمتی
۱۵۱	۱۶۶	۱۸۲	۱۶۶	۲۲۱	پرداخت بر مبنای تولید
۲۳۱	۲۵۰	۲۶۱	۲۴۷	۲۹۸	پرداخت بر مبنای مصرف نهاده
۱۳۴	۱۱۷	۱۱۷	۱۲۲	۲۲۸	پرداخت بر مبنای محدودیت مصرف نهاده ها
۵۱۸۹	۵۳۶۳	۵۵۲۵	۵۳۵۹	۷۱۴۳	جمع حمایت از تولید کنندگان کشاورزی
%۵۸	%۵۷	%۵۹	%۵۸	%۶۱	/PSE
۲/۲۶	۲/۲۵	۲/۳۵	۲/۲۹	۲/۴۶	ضریب حمایت اسمی از تولید کننده
۸۴۸۸	۸۸۳۵	۸۷۸۴	۸۷۰۲	۱۰۹۳۶	ارزش محصولات بر حسب قیمت سرمزرعه
۱۴۷۵	۱۴۶۷	۱۴۴۱	۱۴۶۱	۱۲۶۷	حمایت از طریق خدمات عمومی (GSSE)
۶۶۶۹	۶۸۳۵	۶۹۷۳	۶۸۲۶	۸۳۹۵	حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE)
%۷۹	%۷۷	%۷۹	%۷۸	%۷۷	نسبت حمایت کل به ارزش کل تولیدات

۵. بررسی حمایت‌های تجاری و بازرگانی در برخی از کشورها

به اعتقاد راغفر وارد شدن مباحث کشاورزی در سالهای اخیر در تعدادی از موافقتنامه های تجاری منطقه ای و در مذاکرات چندجانبه سازمان جهانی، یک چرخش تاریخی تند است. کشاورزی هیچ گاه بخشی از رژیم آزاد سازی تجارت جهانی پس از جنگ جهانی دوم نبوده است. وقتی ایالات متحده اغلب تعهداتش را در مورد بخش کشاورزی از دستور کار موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در سال ۱۹۹۵ حذف کرد، کنار گذاشتن مبحث کشاورزی از حیطه مباحث گات کامل شد (راغفر، ۱۳۸۲).

یکی از مهمترین دستاوردهای موافقتنامه کشاورزی دوراروگونه الزامی کردن تبدیل موانع غیر تعرفه ای، مثل سهمیه وارداتی، به تعرفه و تثبیت تعرفه های جدید بود که این فرایند به تعرفه ای کردن مشهور است. اهمیت این ابزار در رژیم تجاری به حدی بود که موجب شد مذاکرات مربوط به آزاد سازی های تجاری و موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت با بحث در خصوص کاهش تعرفه ها آغاز شود. تقریباً همه کشورها از ترکیبی از موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای برای حمایت از بخش کشاورزی استفاده می کنند. حمایت از بخش کشاورزی و آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی و حذف سیاستهای اخلال آور پس از دوراروگونه، در چارچوب توافق نظام تجاری چند جانبه در دور جدید (یعنی مذاکرات دوردوحه) ادامه پیدا کرد. مذاکرات دور جدید کشاورزی پیش از آغاز رسمی مذاکرات مربوط به دوردوحه، از ابتدای سال ۲۰۰۰ آغاز شد. اعلامیه وزیران در دور دوحه بر ضرورت مذاکرات چندجانبه در بخش کشاورزی تأکید و روشن کرد که مذاکرات کشاورزی در دوردوحه می باید با توجه به هدفهای زیر صورت گیرد:

- ۱- بهبود اساسی در دسترسی به بازار
- ۲- کاهش با جهتگیری حذف تمام اشکال یارانه های صادراتی
- ۳- کاهش اساسی در حمایت‌های داخلی اخلال آور تجارت

...

در جدول ۱۲ دیده می شود، تعرفه های سقف برای محصولات کشاورزی بخصوص غلات بسیار بالاست و کاهش تعرفه های سقف در دور دو حه به طور نسبی برای کشورهای پیشرفته بیشتر است. یکی از مهمترین اختلالها در رژیم تجارت جهانی، یارانه صادراتی بوده که هم در دور اروگوئه و هم در دور دو حه یکی از مهمترین چالشهای موجود بر سر راه آزاد سازی تجارت جهانی به شمار آمده است. در موافقتنامه تعرفه و تجارت هر گونه حمایت مستقیم از صادرات بخش کشاورزی در قالب پرداخت یارانه های صادراتی تعریف می شود. پرداخت یارانه صادراتی به عنوان راهکاری مؤثر در توسعه صادرات محسوب می شود که تابع شرایط اقتصادی و بازارهای هدف و شامل تمام پرداختهای مستقیم و یا اعطای معافیت های مالیاتی، پرداخت وام به صادرکنندگان بالقوه و بالفعل است. حتی وامهای کم بهره اختصاص یافته به خریداران خارجی به منظور رونق صادرات نیز نوعی یارانه صادراتی محسوب می شود. گفتنی است که یارانه صادراتی منجر به افزایش صادرات و کاهش قیمت جهانی محصولات کشاورزی و در نتیجه افزایش تقاضای واردات در کشورهای وارد کننده خواهد شد. یادآوری می شود که بخش اعظم یارانه های صادراتی را در جهان اتحادیه اروپا، آمریکا، نروژ و سوئیس پرداخت می کنند (جدول ۱۳).

جدول ۱۲. مقایسه تعرفه های سقف غلات در کشورهای مختلف

واحد: درصد

کشورها	نام غله	میانگین ساده تعرفه های سقف		میانگین وزنی تعرفه های سقف*	
		دور دو حه	دور اروگوئه	دور دو حه	دور اروگوئه
تمام کشورها	برنج	۶۲/۱	۴۶	۵۱/۳	۷۲
	گندم	۶۵	۴۶	۴۸	۸۴/۲
	جو	۶۵	۴۶/۵	۴۷	۹۵/۶
	ذرت	۶۴	۴۶/۹	۶۲/۱	۱۱۱/۵
کشورهای پیشرفته	برنج	۴۶/۲	۲۷/۹	۳۵/۲	۵۸/۴
	گندم	۷۶/۱	۳۲/۶	۶۵	۱۵۵/۲
	جو	۶۷/۳	۲۸/۴	۶۵/۳	۱۵۹/۷
	ذرت	۵۶/۱	۲۳/۱	۳۰/۸	۷۶/۶
کشورهای در حال توسعه	برنج	۶۰/۶	۳۹/۲	۴۴/۱	۶۹/۸
	گندم	۵۸/۱	۳۸	۳۸	۵۹/۲
	جو	۵۹/۲	۳۸/۶	۳۵/۵	۵۵/۹
	ذرت	۵۹/۵	۳۸/۶	۸۳/۲	۱۳۶/۴

۹۳/۷	۹۳/۷	۷۵/۸	۷۵/۸	برنج	کشورهای کمتر توسعه یافته
۱۱۳/۵	۱۱۳/۵	۷۴/۱	۷۴/۱	گندم	
۱۴۵/۵	۱۴۵/۴	۷۷/۵	۷۷/۵	جو	
۱۲۳/۶	۱۲۳/۶	۸۱/۹	۸۱/۹	ذرت	

: Bound *

جدول ۱۳. کل یارانه های صادراتی پرداخت شده

واحد: میلیون دلار

کشور	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
اتحادیه اروپا	۵۹۸۹	۵۸۵۳/۷	۲۵۱۶/۶	۲۲۹۷/۱
آمریکا	۱۴۶/۷	۸۰/۲	۱۵/۳	۵۴/۶
سوئیس	۲۹۲/۸	۲۶۸/۹	۱۸۷/۷	-
نروژ	۷۶/۹	۱۲۶/۲	۴۴	۳۲
سایر کشورها	۱۶۲/۴	۱۷۵/۱	۱۳۹/۵	۴۱/۳
کل جهان	۶۶۶۷/۷	۶۵۰۴/۱	۲۹۰۳/۱	۲۴۲۵

مأخذ: منبع شماره ۱

بررسی وضعیت حمایت از تولید محصولات کشاورزی در ایران

سابقه حمایت از تولید محصولات کشاورزی در ایران به سال ۱۳۴۳ و پس از شروع اصلاحات ارضی بر می گردد. در آن زمان حمایت از طریق توزیع ارزاقیمت نهاده های مورد نیاز کشاورزان صورت می گرفت و دولت بر بازار محصولات کشاورزی بویژه گندم نظارت داشت و در مواقع بحران در امر خرید، تبدیل و توزیع محصولات و جبران کمبود آنها از طریق واردات نیز اقدام می کرد. از سال ۱۳۶۸ با تصویب قانون تضمین خرید محصولات زراعی، دخالت در بازار کشاورزی شکلی قانونمند یافت و در واقع به کارگیری ابزار حمایتی قیمت تضمینی در کنار تداوم اعطای یارانه نهاده ها به طور قانونی پیگیری شد. به طور کلی اهم سیاستهای حمایتی به کار رفته در بخش کشاورزی طی سالهای گذشته به شکلهای زیر بوده است:

- توزیع نهاده های مورد نیاز کشاورزان نظیر کود، سم و ماشین آلات با اعطای یارانه
- اعطای اعتبارات و تسهیلات با نرخ پایین و باز پرداخت در مدت زمان طولانی
- تقبل بخشی از حق بیمه محصولات کشاورزی و پرداخت غرامت و خسارت به کشاورزان

- قیمتگذاری و خرید تضمینی محصولات کشاورزی

- معافتهای مالیاتی تولید کنندگان کشاورزی

- برقراری تعرفه و مابه التفاوت برای واردات بعضی از محصولات کشاورزی

بررسیهای به عمل آمده نشان می‌دهد که حمایت از بخش کشاورزی طی سه دهه گذشته رشد مناسبی نداشته و در بعضی از مواقع حمایت از تولیدات و بخش کشاورزی به طور حاشیه‌ای و کم رنگ در جریان بوده است. به عنوان مثال براساس آمار موجود، میزان کل یارانه پرداختی به بخش کشاورزی با متوسط رشد ۲۷٪ از مبلغ ۴/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۹۰۰ میلیارد ریال در سال ۷۹ رسیده است. سهم یارانه پرداخت شده به بخش کشاورزی از کل یارانه در اقتصاد کشور طی سالهای ذکر شده به ترتیب ۹/۶ و ۱۰/۷ درصد بوده است. ارقام مذکور نشان می‌دهد که طی مدت ۲۲ سال سهم یارانه بخش کشاورزی تنها ۱/۱ درصد افزایش یافته است که با توجه به افزایش قیمت نهاده‌ها و نرخ تورم، این مسئله جای تأمل دارد (کاظم نژاد و همکاران، ۱۳۸۱).

چنانکه گفته شد، حمایت از کشاورزان در ایران عمدتاً به سه روش حمایت قیمتی (قیمت تضمینی)، حمایت‌های نهاده‌ای (اعطای یارانه‌های کودشیمیایی، سم و اعتبارات) و سایر حمایتها (پرداخت غرامت خشکسالی و بخشی از حق بیمه محصولات کشاورزی) صورت می‌گیرد که مورد آخرسابقه چندانی ندارد، اما دو سیاست اول از سابقه و تداوم بیشتری برخوردار بوده به طوری که از سال ۱۳۶۸ خرید تضمینی به صورت قانون درآمده و دولت هر ساله در قالب این سیاست خرید برخی محصولات را انجام داده است. پرداخت یارانه به کود و سم از تاریخچه و سابقه بیشتری برخوردار بوده و هر ساله بخشی از یارانه‌های پرداختی به بخش کشاورزی را به خود اختصاص داده است، هر چند که این امر را نمی‌توان به محصول مشخصی نسبت داد. لذا تفکیک آن به محصولی معین تقریباً مشکل و هر ساله در حال نوسان بوده است. با این حال به دلیل گستردگی استفاده از سیاست خرید تضمینی، در ادامه به بررسی قیمتگذاری تضمینی محصولات می‌پردازیم.

سیاست خرید تضمینی

عمده سیاستهای کشاورزی که از سوی دولتها اتخاذ می‌شود شامل حمایت‌های درآمدی^۱ و موانع وارداتی است که نوعاً موجب افزایش دریافتی تولیدکنندگان و تثبیت درآمد و یا کاهش

1. income support

هزینه‌های تولید آنان می‌شود. بنابراین، سیاستهای کشاورزی نیز از نوع سیاستهای اقتصادی^۱ است که

۱. سیاست اقتصادی به اقدامی آگاهانه از سوی یک سیاستگذار گفته می‌شود که با ایجاد تمهیدات ساختاری و ارزشهای سیاستگذار و سیاست پذیر، بخشهای اقتصادی شامل عمومی، بنگاه و خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گیلانپور و همکاران، ۱۳۸۲).

...

از سوی دولت بر بخش کشاورزی اعمال می‌شود و عموماً در راستای تأمین هدفهای متعددی (تنظیم بازار محصولات کشاورزی، توسعه روستایی، خودکفایی و استقلال ملی، حمایت از محصولات اساسی و...) قرار دارد و ناگزیر بر اجزای کلان اقتصاد (بخش عمومی، بنگاههای تولیدی و خانوارها) تأثیرگذار است. در بیست و یکم شهریورماه سال ۱۳۶۸ ماده واحده ای به همراه سه تبصره تحت عنوان "قانون خرید تضمینی محصولات اساسی کشاورزی به شرح زیر به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید:

« به منظور حمایت از تولید محصولات اساسی کشاورزی و ایجاد تعادل در نظام تولید و جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی و ضرر و زیان کشاورزان دولت موظف است همه ساله خرید محصولات اساسی کشاورزی (گندم، برنج، جو، ذرت، چغندر قند، پنبه و ش، دانه های روغنی، چای، سیب زمینی، پیاز و حبوبات) را تضمین نموده و حداقل قیمت خرید تضمینی را اعلام و نسبت به خرید آنها از طریق واحدهای ذیربط اقدام نماید». قانونگذار در تبصره یکم قانون فوق وزارت کشاورزی سابق را مسئول قیمتگذاری تضمینی بر اساس هزینه تولید یک واحد متعارف و رعایت حفظ رابطه مبادله در داخل و خارج بخش کرده است. در تبصره دوم این قانون هیئت دولت موظف شده است قبل از آغاز هر سال زراعی (آخر شهریور) از طریق رسانه های عمومی قیمت اقلام تضمینی را به اطلاع عموم برساند. همچنین در تبصره سوم، دولت موظف است زیان احتمالی موضوع این قانون را از منابع مالی خود تأمین کند. شمول این قانون در سال ۱۳۷۲ گسترش یافت و کشمش، خرما، برگه، مرکبات، سیب، انار، انجیر، محصولات دامی و پيله ابریشم مشمول فهرست محصولات اساسی موضوع ماده واحده قانون تضمین خرید محصولات کشاورزی شدند.

این سیاست یکی از بحث انگیزترین ابزارهای حمایتی در ایران طی سالهای اخیر بوده و پیامد استفاده از آن طی سالهای ۱۳۶۹ تا کنون این سؤال را در اذهان ایجاد کرده است که تا چه حد دخالت دولت از طریق تعیین قیمت تضمینی و خرید محصولات در بازار محصولات کشاورزی به حمایت از تولید کنندگان و پایداری تولیدات کشاورزی منجر شده است؟ و آیا تداوم آن به شیوه گذشته سودمند بوده است؟

به اجمال می توان گفت که در کشور ایران ابزار حمایتی به گونه ای متفاوت از تعریف اقتصادی آن در سایر کشورها به کار گرفته شده است. طبق تعریف، قیمت تضمینی، قیمت کف بازار است که اندکی بالاتر از هزینه تولید کشاورز در نظر گرفته می شود و چنانچه قیمت محصول از آن حد کمتر شد دولت به منظور حمایت از کشاورز نسبت به خرید اقدام می کند. متأسفانه در طول سالهای اجرای قانون، به دلیل ناکافی بودن اعتبارات تخصیص یافته وسایر مسائل کلان اقتصادی کشور، دولت همواره قیمت‌های پیشنهادی از سوی وزرات جهاد کشاورزی را تعدیل کرده که نتیجه این کار طی سالهای متمادی تغییر رابطه مبادله به زیان محصولاتی بوده است که به نرخ تضمینی خریداری می شده اند. به عبارتی نه تنها حمایت قیمتی مؤثر و کارا نبوده بلکه مالیات ضمنی نیز از کشاورزان گرفته شده است.

در جدول ۱۴ رابطه مبادله برای برخی از محصولات تحت پوشش خرید تضمینی برای سالهای ۶۹ تا ۸۰ ارائه شده است. محاسبه این رابطه با استفاده از نسبت شاخص قیمت تضمینی (به قیمت ثابت سال ۶۹) به شاخص بهای عمده فروشی کالاها (به قیمت ثابت سال ۶۹) انجام گرفته است.

جدول ۱۴. رابطه مبادله برخی از محصولات زراعی (به قیمت ثابت سال ۶۹)

سال	گندم	جو	ذرت	برنج پر محصول	چغندر قند	پنبه	آفتابگردان
۱۳۶۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳۷۰	۱/۰۳	۰/۹۸	۱	۰/۸۲	۱/۲۵	۱	۱/۰۱
۱۳۷۱	۰/۸۹	۰/۹۹	۰/۷۷	۰/۸۲	۱/۰۶	۰/۸۷	۰/۷۸
۱۳۷۲	۱/۰۶	۱/۲۳	۰/۹۲	۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۹۳
۱۳۷۳	۰/۸۶	۱/۰۹	۰/۷۸	۰/۶۳	۰/۷۹	۱/۱۱	۰/۷۵
۱۳۷۴	۰/۶۸	۰/۷۸	۰/۵۸	۰/۸۶	۰/۶۲	۱/۰۳	۰/۵۴
۱۳۷۵	۰/۶۸	۰/۹۶	۰/۵۸	۰/۶۰	۰/۶۲	۰/۹۸	۰/۷۴
۱۳۷۶	۰/۷۲	۰/۹۶	۰/۶۵	۰/۵۶	۰/۷۲	۰/۹	۰/۷۳
۱۳۷۷	۰/۷۷	۰/۸۲	۰/۶۹	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۹۶	۰/۶۷
۱۳۷۸	۰/۷	۰/۹۲	۰/۶۲	۰/۹۰	۰/۷۴	۰/۰۴	۰/۶۱
۱۳۷۹	۰/۷۹	۱/۷۰	۰/۷۰	۰/۵۷	۰/۸۶	۰/۹۴	۰/۵۹
۱۳۸۰	۰/۹۲	۰/۸۵	۰/۷۸	۰/۵۹	۰/۸۵	۰/۷۴	۰/۸۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

...

برای مثال در سال ۱۳۸۰ رابطه مبادله گندم ۰/۹۲ محاسبه شده است که نشان می‌دهد، برحسب قیمت ثابت سال ۱۳۶۹، ۸ درصد مالیات ضمنی بر کشاورزان تحمیل شده است. این ناکارایی قیمت تضمینی در مورد سایر محصولات نیز صدق می‌کند، به طوری که در سال ۱۳۸۰ نتایج تحقیق نشان‌دهنده وضع مالیات ضمنی بر تولید کنندگان جو، ذرت، برنج پر محصول، چغندر قند، پنبه و آفتابگردان به ترتیب به میزان ۱۵، ۱۲، ۴۱، ۱۵، ۲۶، ۱۹ درصد بوده است.

برآورد های مبتنی بر حمایت قیمتی توسط سایر پژوهشگران نیز نشان می‌دهد که نه تنها حمایت مؤثری از بخش کشاورزی نشده بلکه همه ساله درخصوص اغلب محصولات از بخش کشاورزی مالیات ضمنی نیز دریافت شده است. به عنوان مثال می‌توان به مطالعه پرمه اشاره کرد که به بررسی حمایت قیمتی محصولات کشاورزی مشمول قانون خرید تضمینی دریک دوره ۱۴ ساله پرداخته است (پرمه، ۱۳۸۲). نتایج این تحقیق در جدول ۱۵ ارائه شده است و نشان می‌دهد که حمایت قیمتی^۱ از گندم از سال ۱۳۶۸ (اولین سال اجرای قانون خرید تضمینی) منفی بوده به طوری که تا سال ۱۳۸۰ این وضعیت تشدید شده و از ۱۶۳/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۳۳۶/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ رسیده است و تنها در سال ۱۳۸۱ با افزایش نسبی قیمت خرید این رقم مثبت شده و به ۳۵/۷ میلیارد ریال افزایش یافته است. با منطقی تر شدن قیمت گندم و بهبود رابطه مبادله و اتخاذ سیاستهای مناسب قیمتگذاری، این ناکارایی حمایتها سیر نزولی یافته است. این امر نشان‌دهنده دریافت مالیات پنهان از بخش کشاورزی و دقیقاً برخلاف اذهان عمومی در مورد اعطای یارانه های بالا به این بخش است. حمایت منفی در حقیقت گویای این واقعیت است که دولت قیمت محصول را در سطحی پایینتر از قیمتهای سیف وارداتی تعیین می‌کند. این وضعیت درخصوص سایر محصولات کشاورزی و در بیشتر سالها صدق می‌کند.

۱. در این برآورد از فرمول $AMS_i = (Pd_i - pw_i)Qs_i$ یا به عبارتی از AMS محصولی، که فقط محدود به حمایت قیمتی است، استفاده شد. در فرمول فوق Pd_i قیمت تضمینی، pw_i قیمت مرجع خارجی (در اینجا قیمت تمام شده سیف وارداتی کالا از آمار نامه واردات گمرک استخراج شده است) و Qs_i میزان خرید تضمینی کالا است.

جدول ۱۵. حمایت قیمتی از برخی از محصولات زراعی در نرخ آزاد ارز

واحد: میلیون ریال

محصول	گندم	جو	شلتوک	سویا	پنبه	چغندر قند
سال ۱۳۶۸	-۱۶۳۳۵۰	-	-	-۲۵۳۰۴	-۱۹۱۹	-۱۹۹۵۶۷
۱۳۶۹	-۴۳۳۷۵۹	۰	۱۵۸	-۲۴۷۶۸	-۲۷۷	-۲۳۱۸۸۳
۱۳۷۰	-۱۴۱۷۲۳	۰	۷۰	-۷۶۸۷	-۷۱۱	-۲۱۹۵۶۳
۱۳۷۱	-۳۸۵۳۳۵	۰	۷۴	-۹۲۳۸	-۴۵۵	-۱۹۲۴۷۶
۱۳۷۲	-۴۱۲۰۷۰	۰	-۸۶۶	-۹۷۶	-۲۷۰۲	-۱۶۵۳۸۵
۱۳۷۳	-۵۴۵۵۲۴	۰	۴۴۸	-۴۱۵۱۰	-۶۵۹۷	-۴۰۱۹۱۲
۱۳۷۴	-۲۳۳۱۱۱۱	۰	-۳۴۷۸	-۳۴۱۶۷	-۷۲۱۱۹	-۹۵۵۸۵۱
۱۳۷۵	-۳۴۵۳۱۷۳	۰	-۴۲۳۴	۰	-۷۰۶۱۶۸	-۴۱۳۲۳۸
۱۳۷۶	-۱۹۵۵۱۳۳	۰	۰	۰	۰	-۳۲۵۱۰۵
۱۳۷۷	-۲۵۶۱۹۸۱	۰	۰	-۱۲۰۸۲۱	۰	-۲۳۸۶۳۹
۱۳۷۸	-۱۸۹۶۸۸۴	۰	۰	-۷۴۵۹۵	۰	-۲۲۲۵۵۵
۱۳۷۹	-۹۶۰۹۵۱	۰	۰	-۴۸۹۱۹	۰	۱۲۵۰
۱۳۸۰	-۳۳۶۱۵۷	۰	۴۷۸۸۰	۲۹۲۷۰	-۳۱۹۰۱۷	۲۷۴۰۵۸
۱۳۸۱	۳۵۷۰۷	۰	۱۴۸۴۸۹	۳۱۵۸	-۶۸۰۵۵	-۳۷۸۳۰

مأخذ: منبع ۲

همچنین قانونگذار با برشمردن هدفهای متعدد در این قانون، بخصوص هدف ایجاد تعادل در نظام تولید، به نوعی بی اطلاعی از اثرات سازوکار خرید تضمینی را آشکار کرده است. در این باره باید گفت که خرید تضمینی محصولات کشاورزی دخالتی از سوی سیاستگذار در طرف تقاضای بازار این محصولات تلقی می شود، درحالی که ایجاد تعادل در بازار نیازمند دخالت در دو طرف عرضه و تقاضاست و معلوم نیست چگونه قانونگذار انتظار دارد در یک طرف بازار به تعادل برسد. به عنوان مثال در بعضی از مناطق کشور خرید تضمینی صدها تن پیاز و سیب زمینی و نگهداری آنها در انبارهای نامناسب و مغایر با اصول انبارداری موجب شده است بعد از گذشت ۲ تا ۳ ماه صدها تن پیاز و سیب زمینی فاسد و در نتیجه خسارت چندمیلیارد ریالی فقط از بابت این دو محصول به جامعه وارد شود. این در حالی است که اگر شرایطی برای صادرات این دو محصول فراهم و نیز مشوقهای لازم از طریق

...

یارانه صادراتی برای تجار داخلی ایجاد می‌شد و یا اگر شرایطی برای نحوه خرید و فروش نگهداری در سردخانه و برنامه‌ای از پیش تعیین شده برای فروش و ارسال به فروشگاههای زنجیره‌ای درآمدت زمان معین و کوتاه فراهم می‌گردید، این خسارت میلیاردری پیش نمی‌آمد و بازار تنظیم و همچنین درآمد مکفی برای کل نظام و عوامل دست‌اندرکار قیمت تضمینی ایجاد می‌گردید و نهایتاً پروژه خرید تضمینی پیاز و سیب زمینی به پروژه‌ای خودگردان از نظر مالی تبدیل می‌شد؛ زیرا فقط لازم بود دولت یک بار این پروژه را تأمین اعتبار کند مشروط بر اینکه این پروژه مدبرانه و هوشمندانه تدوین و برای اجرا در بسترهای مناسب به مدیران دلسوز و متعهد سپرده می‌شد. با این حال به نظر می‌رسد که قانون خرید تضمینی به دلیل مشکلات ساختاری و اجرایی به تنهایی کارایی لازم را ندارد و لازم است ابزارهای مکمل دیگری نیز همگام با آن و متناسب با نوع مشکل، مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

سیاستهای تجاری

ماده یک قانون تجارت خارجی ایران بیان می‌دارد که این تجارت در انحصار دولت است و دولت حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین میزان و شرایط ورود آنها را دارد.

با توجه به ساختار دولتی رژیم تجاری در ایران (بخصوص در مورد محصولات کشاورزی) و محدود بودن ابزارهای تجاری، که به طور کلی شامل تعرفه، سود و حقوق بازرگانی و مجوزهای وارداتی می‌شود، بحث اصلی سیاستهای تجاری ایران تقریباً محدود به استفاده از ابزار تعرفه خواهد بود. البته طی چند دهه گذشته از ابزارهای حمایت مرزی نیز استفاده شده است، هر چند در تمامی سالها به دلیل دولتی بودن ساختار تجارت خارجی و به یمن درآمدهای حاصل از فروش نفت، ابزار تعرفه به طور مؤثر و کارآمد تعیین نشده و اصولاً اهمیت چندانی نداشته است. الزامات مبنی بر الحاق به سازمان تجارت جهانی موجب شده است که در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه، دولت موظف به تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌ای و طراحی یک رژیم تجاری کارآمد برای کشور شود.

جدول ۱۶ نشان می‌دهد که برقراری تعرفه‌های بالا برای کالاهایی که ورود آنها به کشور ممنوع بود، میانگین ساده تعرفه‌های کشاورزی کشور را بدون هیچ گونه توجیه منطقی بالا نگهداشت، به نحوی که میانگین تعرفه‌های کشاورزی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ دامنه‌ای از ۳۰٪ تا ۸۷٪ داشت اما میانگین تعرفه وزنی در دامنه بسیار پایینی از حدود ۲٪ تا ۱۰٪ قرار داشت. تا قبل از سال ۱۳۸۱ تعرفه محصولات کشاورزی با در نظر گرفتن دو مجوز از سوی وزارت جهاد یا کشاورزی سابق و دیگری از سوی وزارت بازرگانی تعیین و بر مبنای نرخ ارز رسمی ۱۷۵۵ ریال به صورت ارزشی محاسبه و دریافت می‌شد. به عبارتی تعرفه‌ها عامل مؤثری در کنترل مقدار واردات محسوب نمی‌شد. ولی در سال ۱۳۸۱ نرخ ارز محاسباتی برای دریافت تعرفه‌ها از ۱۷۵۵ به ۷۷۵۰ ریال به ازای هر دلار رسید؛ به عبارتی حدود ۴/۴ برابر (به نسبت ۵ به ۲۲) افزایش یافت و صدور همه مجوزهای وارداتی تحت اختیار وزارت بازرگانی قرار گرفت، به طوری که در این سال میانگین حسابی تعرفه‌ها به ۲۵/۷۰٪ (حدود ۷۰٪ کاهش نسبت به سال ۱۳۸۰) و میانگین وزنی تعرفه‌ها به ۷/۵۹٪ (حدود ۲۰٪ کاهش نسبت به سال ۱۳۸۰) کاهش یافت. در سال ۱۳۸۲ برای نخستین بار صدور مجوز برای واردات کالاها حذف گردید به طوری که اثرات آن موجب افزایش میانگین حسابی و وزنی تعرفه‌ها به ترتیب در حدود ۳۳٪ و ۱۷٪ شد (گیلانپور، ۱۳۸۲).

جدول ۱۶. مقایسه میانگین ساده و وزنی تعرفه‌های محصولات کشاورزی (فصول ۱ تا ۲۴)

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
میانگین ساده	۳۰/۲۸	۴۸/۸۸	۴۸/۵۶	۷۷/۲۳	۸۳/۳۹	۸۷/۲۸	۲۵/۷۰	۳۲/۶۸
میانگین وزنی	۱/۶۸	۵/۶۹	۴/۵۵	۴/۵۹	۷/۴۱	۹/۵۲	۷/۵۹	۱۶/۶۵

مأخذ: منبع ۶

این تغییر مبنای افزون بر شفاف سازی مقررات و تسهیل محاسبات، از تبعیضات، رانتها و سایر امتیازات حاکم بر واردات نیز به طور چشمگیری کاست. متعاقب این تغییر مبنای نرخ حقوق گمرکی و بازرگانی واقعی تر شد. در رژیم تجاری فعلی ایران از ابزار بسیار ساده تعرفه ارزشی استفاده می‌شود در صورتی که برای حمایت مؤثرتر، امکان استفاده از سایر ابزارهای پیچیده تعرفه‌ای (تعرفه سهمیه‌ای،

...

تعرفه مرکب، تعرفه مخلوط و...) نیز وجود دارد که تضادی با موافقتنامه کشاورزی سازمان تجارت جهانی ندارد و سایر کشورهای عضو WTO نیز از آنها استفاده می‌کنند.

حفاظت از منافع بخش کشاورزی در دنیای امروز محدود به یک یا دو ابزار حمایتی نیست، بلکه ابزارهای مختلفی برای این کار وجود دارد که بسیار رواج پیدا کرده است، ولی در بخش کشاورزی ایران کمتر دیده می‌شود. در دنیای کنونی در کنار آزادسازی تجاری، موضوع حفاظتها مطرح شده که در قالب قوانین و اقدامات حفاظتی و قوانین و اقدامات ضد دامپینگ (قیمت شکنی) خود را نمایان کرده است. اما در عرصه داخلی هیچ اقدام کارآمدی در این زمینه صورت نگرفته است. لذا لازم است اقدامات حفاظتی و ضد دامپینگ به صورت جدی در بخش کشاورزی و در نظام تجاری کشور صورت گیرد. به علاوه می‌توان حمایت از بخش کشاورزی را از طریق ابزارهای متعدد و متنوعی انجام داد تا در صورت محدود یا ممنوع شدن استفاده از یکی دو ابزار حمایتی در جریان الحاق به WTO بتوان از ابزارهای جایگزین بهره‌مند شد.

گفتنی است که در سالهای اخیر در ایران از ابزار یارانه صادراتی نیز در حد محدود استفاده شده است که آن هم به دلیل بی‌توجهی به کارکرد یارانه صادراتی و یا عدم استفاده بموقع از این ابزار، کارایی لازم را پیدا نکرده است. در این باره می‌توان به وضعیت کشور ترکیه در بازار جهانی کشمش در ۲ سال گذشته اشاره کرد. این کشور به علت تضعیف ارزش پولش به دلیل بحرانهای اقتصادی و ارزان شدن قیمت صادراتی کشمش خود در بازار جهانی، به رقیب ایران در بازار جهانی کشمش تبدیل و موجب رکود بازار صادراتی ایران شد. در آن هنگام راه حل منطقی، پرداخت بموقع یارانه صادراتی به تجار ایرانی بود نه خرید تضمینی این محصول که علاوه بر حل نکردن مشکل، زیان هنگفتی را نیز به دولت و موقعیت ایران در بازار جهانی کشمش وارد کرد.

با این حال چنانکه ملاحظه می‌شود ترکیب حمایتها از بخش کشاورزی و گستره بازارهای جدید برای محصولات کشاورزی بستگی به درجه توسعه یافتگی کشاورزی و صنعتی و نیز جایگاه هر کشور در سلسله مراتب قدرت در ساختار جهانی دارد. کشور ما نیز باید این سیاستها را متناسب با جایگاه و موقعیت خود تعریف و مشخص کند. بنابراین به دلیل متغیر بودن شرایط بازار (داخلی و

خارجی) برای هر کدام از محصولات کشاورزی نمی توان انتظار داشت تنها یک ابزار برآورده کننده تمامی هدفهای سیاستگذاران باشد و لذا لازم است بسترهای قانونی، سیاستگذاران را در انتخاب نوع ابزار و اندازه بهینه آن، با توجه به ماهیت اخلاص به وجود آمده در بازار(داخل و خارج) و هدفهای مربوط، مخیر و آزاد کند. با عنایت به مطالب پیشگفته پیشنهادهای زیر برای کارا شدن ابزارهای حمایتی و مقابله با اخلاص موجود در ارائه می شود:

۱- تدوین راهبرد حمایت از بخش کشاورزی و تعیین تکلیف محصولات کشاورزی

۲- ایجاد بسترهای قانونی برای انتخاب ابزار حمایتی مناسب با اخلاص به وجود آمده در بازار

۳- تنوع بخشی به ابزارهای حمایتی، همگام با به کارگیری قیمت تضمینی

۴- تدوین قانون جامع ضد دامپینگ

۵- تنوع بخشی به ابزارهای سیاستهای تجاری بویژه ابزارهای تعرفه ای

۶- مطالعه و تحقیق پیرامون تدوین قانون جامع حمایت از بخش کشاورزی

منابع

۱. اردستانی، مریم و ماندانا طوسی (۱۳۸۳)، یارانه صادراتی: مروری بر تجربیات کشورهای منتخب، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، (دردست انتشار).
۲. پر مه، زورار (۱۳۸۲)، سیاستهای حمایتی: دیدگاههای بین المللی و کشاورزی ایران، مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، آذرماه ۱۳۸۲.
۳. راغفر، حسین (۱۳۸۲)، مروری بر سیاستهای کشاورزی در کشورهای صنعتی، مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، آذرماه ۱۳۸۲.
۴. کاظم نژاد، مهدی و همکاران (۱۳۸۱)، بررسی هزینه تولید و پیشنهاد قیمت تضمینی خرید محصولات زراعی برای سال ۱۳۸۲، معاونت سیاستهای حمایتی، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.

...

۵. گیلانپور، امیدو همکاران (۱۳۸۱)، محدودیتهای قانون خرید تضمینی محصولات کشاورزی و راه برون رفت از آن، معاونت سیاستهای حمایتی، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.

۶. گیلانپور، امید (۱۳۸۲)، چگونگی استفاده از تعرفه برای حمایت از بخش کشاورزی، مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی آذرماه ۱۳۸۲، تهران.

۷. محمودی، ابوالفضل والهه مهربانیان (۱۳۸۳)، مروری بر سیاستهای حمایتی کشورهای عضو OECD در سال ۲۰۰۳، گروه پژوهشی سیاستهای حمایتی، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی (دردست انتشار).

8. Barry, Carr (1992), The Economics of agricultural policy, CRS Report for Congress. 92-198 ENR.

9. Food and Agricultural Policy Research Institute (FAPRI) (2003), An analysis of the proposed Doha round modalities, Iowa State University, Staff Report 03-SR 98.

10. Lindert, Peter H. (1989), Economic influences on the history of agricultural policy, Davis, Ca, University of California, Agricultural History Center, 73p. (working paper series NO.68).

11. OECD (2004), Agricultural policies in OECD at a glance.

12. OECD (2003), Agricultural policies in OECD, monitoring and evaluation.

13. OECD (2002), Methodology for the measurement of support use in policy evaluation.

